



هذا
كتاب آيات
الظهور في انتظار
الفرج والسرور في آيات
الرجعة وذكر الأئمة المعصومين
... عليهم السلام الى الدنيا ما دامت الدنيا
ومرت الدهور آية خاتمة عبد
اثيم فاني احقر الواعظين و
اقل الحاج والمعتمر بن علي قلي
ناصح دهوارقاني

هذا كتاب آيات الظهور في انتظار ايام الفرج والسرور

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي انزل الآيات على نبيه محمد صاحب الدلالات صنيع المعجزات
ومجمع الكمالات والصلوة والسلام عليه وعلى عترته شموع طريق الصواب
في ظلمات الفتن الضلالات سيما ابن عمه علي الذي اليه ينسب نقض المواعظ
انفع المقالات وعنده تفسير التأويل واليهم في معضلات القرآن
المبهمات ترجع السؤالات واللعنة الدائمة على اعدائهم مادامت السموات
وبعد ازانجائيكه بر هر كدام از اهل ديانت كه از علم بهره دارد و
ميفهمد باندازه فهم كه از نور عاطل اند سخن رانند بعالم رسانيدن
حقيقت نمايد لازم و واجب است براى ثبات قدم عوام حميدة الصفات
و مرد بصير جوانان نباد كه وقت اينجه با امكان اينكه ساكت ننشيند

واهمال و غفلت و واندارد فلذا اين بنده پر تقصير عليقلى
ناصح همو رقانى كه از بدو شباب تعليمات ارشاد اطفال و تربيت جوانان
تازه مكلف وطن عزيز خود (ايران) را منظور داشته اين
طريقه را وظيفه خود دانسته است چون ديد بعضى از مبلغين مذاهب
باطله بواسطه از دست شدن قلم و سخن و بسبب معاشرت و جوش شدن با اين
جوانان شاباى پاره كلمات شبهه آور و فتنه انگيز و جعل اقاويل زننده
در ضمن رمانها نشر و پخش اينها معاونت و ظهار اخلاق عوام پسند
و سخنان بزعم نزديك بفهم و مسايل قريبه در قلب ضعيف اين نوع جوانان
القاء شبهه ميكنند و نزديك است قد انها از بى اطلاعى از اخبار
و احاديث سست نموده بلغزانند و از طريق و جاده شرع دين بوادى
حيرت و ضلالت اندازند و بسوى مسلك فاسد خود شان سوق نمايند
در اخبار و احاديث راجعه بظهور حضرت حجت عجل الله فرجه جعلنا
من كل مكروه فداه و رجعت حضرات ائمه عليهم السلام تصرفات باطله
مداخله ها و عوام فريب ميكنند با حضرات علماء اعلام حاضر مناظره
نميشوند البته نميتوانند (نطق عيسى چگونه داند كر
نور موسى چگونه بيند كور) مثل شب پره در تاريك خانه

هاو کنار گوشه ها این جوانها از پرچانه شیطانی انداخته
تبلیغات می کنند و این جوانان هم بد بختانه بسبب گرفتار آمدن
باحکام هوا و هوس و مایل شدن بمشتهیات نفس بعلاوه نشاط جوانی
که در سر دارند از بی سعادتی و عدم توفیق از مجالس علمای اعلام کثر الله امثالهم
کناره و از فیض محافل سراپا افاضه آن پاسداران دین حافظان شرع مبین
دور افتاده اند و با کتب اخبار انسی ندارند و بآیات قرآنی بسبب عدم علاقه هم
آشنا نیستند علاوه و معنای ظاهری آیات استدلال و احتجاج بدون
معانی احادیث معتبره که بطرف مقابل جایز نمی شود این حقیر با این اوضاع
ناظر و در تحت مطالعه گرفته بودم و عاقبت و نتیجه آنرا ملاحظه می نمودم
پس دامن همت بر کمر زده با ضعف حال و تشتت خیال با حرکت بدن بو
باین صدد آمد که بقدر امکان فتنه این گروه ضاله و مضله را
از ساحت دیانت نوباوگان وطن خود دفع نمایم اگرچه از هزار یک نفر
باشد بمفاد آیه کریمه مَنْ اَحْیٰی نَفْساً فَکَاَنَّمَا اَحْیَی النَّاسَ جَمِیعاً
این نیت اقدام را مایه رحمت و نشانه سعادت دانسته پس در ذیل مرام
تمسک بقرآن مجید نمودم و بحبل المتین و عروة الوثقی توسل جستم
آیاتی را که تاویل و تفسیر شده بظهور حضرت حجة الله الاعظم و رجعت
ائمه علیهم السلام آنچه میسر گردد و دسترس باشد با زبان فارسی
بعبارت واضح و آشکار از تفسیر و تاویل حضرات ائمه اث

کتب معتبره علمای اعلام بدون مداخله نمودن و تغییر دادن
بمندرجات آنها بعرض شمول رحمت الهی و ازدیاد بصیرت جوانان طالب
هدایت ترجمه نمایم شاید این پیر منزوی را برحمت یاد کنند
آیا دهر ساعد علی بغیتی   و یا عمر کن بعض اسبابها
و با اعتماد و اعتبار کتب معتبره که مصنفین رضوان الله علیهم بعد
اختیار کردن و تمیز دادن رجال و روات ما اخبار را نقل کرده و نوشته اند
آحاد بیتی که در ضمن ترجمه آیات بمناسبت ذکر میشود مرسلاً نوشتم
یعنی بدون نام بردن از رواة که با ملاحظه اختصار از پیچ و خم خالی
میباشد و ذهن مطالعه کنندگان هم از تعداد اسامی و امثال مشوش
نمیگردد و مطلب از دست نمیرود در خاتمه بعرض می رساند اگر
جوانان بصحبت و مکالمه این غولان راه دین یعنی مبلغین معاندین
گرفتار آیند و دچار شوند در قلب پاک و صاف خودشان از تاثیر بیانات
آنها خاطره و تشویشی یافتند مراجعه بآیات قرآنی نمایند که
بمفاد آیه شریفه وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ
استشفاء جویند زیرا که شفاء هر مرض در قرآن مجید است که یکی از نامهای
مبارکش شفاء است و دیگر اینکه شبهه ها با محکمات آیات

قران موافق فرموده مفسرین امامیه مطابقه دهند اگر مخالف
شد بود بدیوار بزنند تا ببرکت قران از ضلالت وارتداد ایمن باشند
وازراه نروند وقید محکمات بملاحظهٔ این است که اکثر مفاسد
وطلوع مذاهب باطله بواسطهٔ تاویل وتفسیر کردن آیات و
اخبار متشابهه ازراه کج شده وبضلالت افتاده اند زیرا
که تاویل متشابهها را غیر ائمه بنص قران مجید مگر خدا ورسول
او وائمه علیهم السلام که خداوند میفرماید لا یعلم تاویله
الا الله ورسوله والراسخون فی العلم ومراد از راسخون بمفاد
تمامی تفاسیر شیعه ائمه معصومین ع است واین نکته را بطور یقین
دانسته وبه نظر داشته باشند هرکس که با محکمات قران واخبار
محکمه حضرات ائمه هدایت نشود وارشد نیابد دیگر براه او هدایت
وراه نمائی نخواهد شد بشرطیکه [illegible] امام تفسیر یا تاویل
نماید که اگر غیر امام تاویل ویا تفسیر نماید بمفاد کریمهٔ ولا
یزید الظالمین الا خسارا نمی افزاید مگر خسارت وگمراهی بیدینی
وا چنانچه احادیث باین مضمون از ائمه علیهم السلام وارد شده از جمله
حدیث شریف (من فسر القران برایه فقد کفر) وحدیث شریف
دیگر (من فسر القران برایه فلیتبوأ مقعده من النار) و

ایضاً حدیث شریف (قال النبی ص ان اخوف ما اخاف علی امتی
ثلث خصال ان یتاولوا القران بغیر تاویله الی آخر
الحدیث: واز این احادیث معلوم میشود که غیر از ائمه اطهار ع
احدی را حق تفسیر وتاویل نیست مگر آنکه از طرف ایشان ع
نقل کنند والا باعث ضلالت وموجب هلاکت از دین حنیف
خارج میگردد اما کسانیکه در قلوب ایشان زیغ یعنی کجی است
محکمات قران واخبار را کنار گذاشته متشابهها را تعقیب
مینمایند چنانکه خداوند تعالی میفرماید (فاما الذین
فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و
ابتغاء تاویله وما یعلم تاویله الا الله والراسخون
فی العلم یعنی اشخاصیکه در قلبهای ایشان کجی است پیروی می
شوند متشابهها را بجهت جستن فتنه وبرای تحصیل معانی آن ونمیدانند
معنی تاویلی آنرا مگر خدا ومحکم شوندگان در علم وسوء تعبیر حضرت
محمد الباقر ع با قتاده مفسر اهل بصره وبا ابوحنیفه قاضی اهل کوفه
ومفتی در قضایا متعدده مشهور ودر بحار جلد یازدهم مسطور
است که چطور غلط کاری وجهالت ایشان را بجواب آن

حضرت باقر ع ثابت کرده و در اکثر مجالس در تفسیر آیات
بجهل خود اعتراف کرده اند و هکذا مخالفین عهد هر معصوم
که در کتب اخبار مذکور و جا مندرج است **خلاصه** غرض از تسوید
ذکر آیات مؤوله و مفسره بظهور حضرت ولی عصر و رجعت سایر ائمه علیهم
السلام است بدنیا پس متوکلاً علی الله و هو الموفق و المعین مسود و مسلم
بالائمة الاطهار ع بالخصوص بولی عصر امام زمان ارواح العالمین له
الفداء در شب دوشنبه بیست و دویم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۵
یکهزار و سیصد و پنجاه از سال هجری که شب وفات معاویة بن ابی سفیان
و شب شادی شیعیان است تفألاً شروع بتحریر شد امیدوارم که حضرات
محدثین و اهل علم و ارباب کمال با نظر عاطفه از لغزشهای
قلم این بی‌فایده اغماض نموده و با حسن توجه این تألیف را
تلقی فرمایند **آیه اول** قوله تعالی فی سورة
البقرة ذٰلِکَ الکِتابُ لا رَیبَ فیهِ هُدیً لِلمُتَّقین
الَّذینَ یُؤمِنُونَ بِالغَیبِ وَ یُقیمُونَ الصَّلوٰةَ وَ مِمّا رَزَقنا
هُم یُنفِقُون یعنی این کتاب شک نیست در آن راه نماینده
است از برای پرهیزکاران آن کسانند که ایمان می آورند
بر غیب و برپا دارند نماز را و از آنچه روزی کرده ایم ایشان را

را خرج مینمایند در مجلس **بیان** غیب آنچیزیست که از
حواس غایب باشد یعنی حواس ظاهره بر آن تسلط نباشد مثلاً
چشم آنرا نه بیند و آنچه چشم آنرا نمی بیند دو قسم است یک قسم
محال است دیدن آن مثل ذات باری تعالی که دیده نمی شود نه در دنیا و نه
در آخرت عقلاً و سمعاً عقلاً بجهة اینکه ذات مقدس از انواع
جسم نیست که مرئی بشود سمعاً بموجب آیات قرآن از جمله فرمایش
خداوند (لن ترانی یا موسی) الی آخر آیه و در حدیث فرمایش حضرت
امیرالمؤمنین ع بآن اعرابی که عرض کرد (ترى ربک) ویلک
لا تُدرِکُهُ الأبصارُ و لکن تُدرِکُهُ البصائر بحقائق الایمان یعنی چشمهای
ظاهر او را نمی بیند و لکن درک میکنند او را دیده های باطن بحقیقت
های ایمان و امثال این حدیث بسیار است قسم دویم غیب آنیست که بسبب مانعی
چشم آنرا نه بیند همینکه مانع رفع شد قابل رؤیت است و چشم او را
می بیند مثل برزخ و بهشت و دوزخ و حور و غلمان و وجود حضرت
حجة الله عجل الله فرجه که پرده حکمت و مصلحت در پیش چشم بندگان
کشیده شده است همین که مقتضی و مصلحت طایفه بشر که حبا

انا اشتمال فواید دنیا و دینی است پیش اهل دین مانع از مرحمت
رفع و برداشته شدن ان بزرگوار از ظاهر شده و افتاب وجود دنیا را
بنور جمال خویش روشن میگرداند بلی خورشید هست گرچه شب
پره چشمان خفاش طبیعتان از فیض مشاهده جمالش بی نصیب است
ولی فقها اینکه چشم بی عیب دارند و دیده بصیرت شان باز است
برای ایشان بمنزله مشاهده بچشم دیدن میباشد ما را اینان محجوب
نیست و اشخاصی که بزیارت طلعت غراه فایز شده اند کتابها
پر است بنام و نشانی قبلهم و غیر هستند بلکه مخالفان
منصف از اهل سنت و جماعت از استفاضه کنندگان حضورش
در تالیفات خود حکایتها کرده اند در کتب شیعه مثل اقای مجلسی
و اقای نوری علیهما اعلی الله مقامهما نجم الثاقب و نور الانوار
و مذکور بر و جرم رضوان الله علیهم و غیرهم بحد تواتر رسیده و مثل
افتاب روشن شده است **خلاصه** غرض از این جزوه فقط
جمع آیات مشتمله بظهور حضرت حجت ع و رجعت ائمه معصومین ع
و علت غیبت ان بزرگوار از حضرات محدثین شیعه رضوان الله علیهم
مسلم القول در کتب معتبره باطراف درج فرموده اند

مثل

مثل غیبت طوسی ع و غیبت نعمانی رحمه و جلد سیزدهم
مجلسی ع و اکمال الدین صدوق علیه الرحمه و کتاب البیان
فی اخبار صاحب الزمان ع للشیخ الحافظ ابی عبد الله محمد
بن یوسف الکنجی الشافعی که در سنه ششصد و پنجاه و هشت
هجری وفات نموده و ینابیع المودة للشیخ سلیمان بن ابراهیم
قندوزی در باب نود و سیم و سایر کتب از شیعه و اهل سنت که
نوشته اند از دلایل غیبت هرکس که طالب باشد بانها رجوع
نماید تا بر یقینش بیفزاید ضمنا این نکته را اهل دیانت
عقیده داده اند که هر چیزی که قرین حکمت و مشتمل بر صلاح
باشد و خالی از مفسده ان چیز عقلا لطف است و لطف
برخداوند عالم واجب است که از بر بندگان خود عطا نماید
پس اینکه حجت خود را که لطف است بر بندگان از دیده پوشیده
نگهداشته است موافق حکمت و مصلحت است و خلاف این
خالی از مفسده دنیوی و اخروی نیست و این مطلب کفایت
برای کسیکه طالب هدایت بوده و بصیرتی داشته باشد

البته معلوم گردید که غیب بتفسیر شارع بذات باری تعالی و آخرت و بهشت و دوزخ و حور و غلمان و وجود حضرت حجت ع و در اتصاف باین صفت آن بزرگوار را امتیازی است مخصوص چنانچه شیخ اجل خواجه نصیر طوسی ره در دوازده امام خود بدین نهج سلام میکند و بغیبت بلکه در تمام امتیازات پدران و جد بزرگوارش شرکت مینماید که همهٔ آنها در این وجود نازنین جمع است و مناسب آمد که در این دفتر یاد کرده شود و آن این است اللّهمّ صلّ و سلّم و زد و بارک علی صاحب الدّعوة النّبویّة والصّولة الحیدریّة والعصمة الفاطمیّة والحلم الحسنیّة والشّجاعة الحسینیّة والعبادة السّجادیّة والمآثر الباقریّة والآثار الجعفریّة والعلوم الکاظمیّة والحجج الرّضویّة والجود التّقویّة والنّقاوة النّقویّة والهیبة العسکریّة والغیبة الالهیّة القائم والدّاعی الی الصّدق المطلق الی آخر دعا

حدیث اول آنکه حضرت صادق ع فرمود که مراد از متقیان که بغیب ایمان میاورند آنانند که بغیبت قائم

اقرار

قرار مینمایند و بگویند که ظهور آنحضرت حق است و واقع خواهد شد در خبر دیگر فرمود مراد از متقیان شیعیان علی ع و مراد از غیب حجت خداست که غایب خواهد شد **آیه دوم**

قوله تعالی (فارتقبوا انّی معکم رقیب) یعنی پس انتظار بکشید پس من بدرستیکه با شما رقیبم یعنی نگهبانم انتظار

بیان رقیب کسی را گویند که از حالت منتظره غفلت نمی نماید و مقصودش را بدون غفلت در تحت نظر دارد و ارتقاب ابلغ از انتظار است **آیه سیم** قوله تعالی فانتظروا انّی معکم من المنتظرین یعنی پس انتظار بکشید بدرستیکه من هم با شما از منتظرانم

بیان انتظار خدا و رسولش ص ثابت میکند وجود حضرت قائم ع را زیرا که انتظار خدا بشیء محقق و واقع علاقه میگردد باحتمال موهوم منتظر بودن خدا جایز نیست چون عالم بحقایق اشیاست مثل بشر نیست که باحتمالات انتظار برد و امر فرموده بندگانش را که انتظار برند وقت ظهور او را چند حدیث بجهت مزید رغبت در ثواب و فضیلت انتظار بردن بنا میشود **حدیث** اول از

حضرت رضا (ع) مرویست که رسول خدا (ص) فرمود که افضل اعمال امت من
منتظر بودن است برسیدن فرج از جانب خدا تعالی **حدیث دوم**
از حضرت امام زین العابدین روایت شده در ذیل حدیثی که رسول خدا هم فرمود
منتظر فرج بودن عبادت است **حدیث سیم** روایت است از آنحضرت که فرمود
است که غیبت ولی دوازدهم که وصی رسول خدا و سایر ائمه است بعد از
رسول خدا امتداد می یابد یا با خالد بدرستی که اهل زمان غیبت او که به
امامتش قائل و بظهورش منتظرند از اهل همه زمانها افضل اند زیرا که
خدا تعالی از عقل و فهم و معرفت آنقدر بایشان عطا فرموده که زمان
غیبت در نزد ایشان بمنزلهٔ زمان حضور مشاهده گردیده و گردانیده
ایشان را در این زمان بمنزلهٔ کسانی نموده که در پیش روی رسول خدا بشمشیر جهاد نموده
اند ایشانند مخلصان حقیقی و شیعیان ما که تشیع صدق و صفا دارند و
ایشانند دعوت کنندگان خلایق بسوی دین خدا در پنهانی و آشکارا و
منتظر فرج بودن بزرگتر فرجی است **حدیث چهارم**
جناب جابر روایت کرده که بخدمت حضرت باقر (ع) بعد از آنکه اعمال حج را
تمام کرده بودیم مشرف شدیم و او را وداع نمودیم و بخدمتش عرض کردیم
که یا ابن رسول الله بما وصیتی و نصیحتی بفرما فرمود که قوی شما بضعیف شما
یاری کند و غنی شما بر فقیر شما مهربانی نماید و هر یکی از شما برادر
خود نصیحت نماید خیرخواهی بکند چنانچه برای خودش خیرخواهی
مینماید و اسرار ما را پنهان دارید خلایق را بگردن ما سوار

راوی حدیث ابو خالد کابلی است

نکنید که با امر ما و بچیزی که از ما بشما میرسد نگاه کنید و در آن تامل
نمائید اگر آنرا با قرآن موافق یافتید قبول کنید اگر مخالف یافتید هم
و اگر امر بر شما مشتبه شود و ندانید که با قرآن مخالف است یا موافق
توقف کنید و بما رجوع نمائید تا اینکه در خصوص آن برای شما شرح
بکنیم چنانچه برای ما شرح کرده شده پس وقتی که بوصیت ما
عمل نمودید هرگز از آن تجاوز نمی کنید پس با این حال اگر یکی از
شما پیش از ظهور قائم وفات نماید هر آینه بمنزلهٔ شهید می باشد و هر که
قائم ما را درک نماید در پیش روی او کشته شود او را اجر دو شهید داده
میشود و هر که در پیش روی او یکی از دشمنان ما را بکشد هر آینه
مستحق اجر بیست نفر شهید گردد **حدیث پنجم** از ابی بصیر روایت
کرده که حضرت صادق (ع) فرمود طوبی با برای کسی که در ایام غیبت قائم ما
با امر ما چنگ بزند و دلش بعد از هدایت یافتن از حق بر نگردد
عرض کردم که فدای تو شوم طوبی چیست فرمود درختی است
در بهشت که بیخش در قصر علی بن ابیطالب است هیچ مؤمن نیست
مگر اینکه شاخی از شاخهای آن در قصر وی میباشد این
است معنی قول خدا تعالی طوبی لهم و حسن مآب
حدیث ششم در کتاب خصال روایت از امیر المؤمنین (ع)

[illegible]

روایت کرده که آنحضرت فرمود منتظر فرج باشید و از رحمت خدا
نومید نشوید بدرستی که دوستترین عملها نزد خدا تعالی انتظار فرج
است بعد از آن فرمود که کندن کوهها از بیخ آسانتر است از زایل
نمودن و بر طرف کردن پادشاهی که مدت سلطنتش طول یافته باشد پس
در این باب از خدا اعانت و یاری بطلبید و صبر کنید بدرستی که مؤمنین مثل حبات
باشان را شجری گردانند و بندگان خود کسی را که میخواهد و عاقبت از برای متقیان
است و با این درپیش از رسیدن تعجیل مکنید که باعث پشیمانی میشود و این امر
را بطولانی شمارید که موجب قساوت دلهای شما میگردد هر که با در ما چنگ بزند
هر آینه در جایگاه قدس با ما باشد هر که منتظر ظهور امر ما است مانند
کسی است که در راه خدا بخون خود غلطیده است **حدیث هفتم**
از حضرت علی بن الحسین روایت شده که آن بزرگوار فرمود که هر که در ایام
غیبت قائم در ولایت و دوستی ما ثابت باشد هر آینه خدا تعالی
عطا میکند باو اجر هزار نفر شهید که مانند شهدای بدر و احد
حدیث هشتم شخصی که عباد از جبه سنگی باشد گفته
که بخدمت حضرت صادق عرض کردم که چه می‌فرمائید در خصوص

کسی که با انتظار وارد دین این امر وفات یابد فرمود او به
منزله کسی است که با رسول خدا صلعم در زیر خیمه که در وقت
ظهور برای آن حضرت برپا میشود بوده باشد بعد از آن فرمود اندکی زمانی سکوت
نمود بعد از آن فرمود او بمنزله کسی است که با رسول خدا شهید شده باشد
حدیث نهم عبد الحمید واسطی روایت کرده که بخدمت
حضرت باقر عرض کردم که خدا کار ما را اصلاح نماید بخدا
سوگند یاد میکنیم هر آینه بسبب انتظار این امر بازارهای خود را ترک کردیم
و از داد و ستد دست برداشتیم بحدی که نزدیک شد از غایت فقر
و بیچیزی سائل بکف بشویم فرمود ای عبد الحمید آیا چنان گمان
میبینی که نفس خود را بر بنده که منحصر کند خدا او را فرجی نمیدهد
آری بخدا سوگند هر آینه خداوند عالم فرجی و گشایش عطا فرماید
خدا رحمت کند بنده را که نفس خود را باطاعت و انقیاد ما منحصر نماید
خدا رحمت کند بنده را که امر ما را احیا کند عرض کردم که اگر پیش
از یافتن قائم وفات نمایم حال من چگونه میباشد فرمود کسی که از شما
میگوید که اگر قائم را دریابم هر آینه یاری و نصرت او میکنم بمنزله

کسی است که در خدمت آن حضرت بشمشیر خود جهاد نماید مانند
کسی است که در رکاب آن حضرت شهید شود برای او در باب شهادت اتفاق
افتاده باشد **حدیث دهم** عبد الله بن سنان روایت
کرده از حضرت صادق ع که آنحضرت فرمود که رسول خدا فرمود که بعد از
شما قومی میآیند که یک مرد از ایشان اجر و ثواب پنجاه نفر از شما
میباشد عرض کردند که یا رسول الله ما در جنگ بدر و احد و حنین در
خدمت تو بودیم و قرآن هم در خصوص ما نازل شده پس چگونه میشود که ایشان
از ما بهتر باشند فرمود اگر شما در جای ایشان بشوید بشدایدی و حوادثی که ایشان
دچار خواهند شد هر آینه مانند صبر ایشان صبر نخواهید کرد
حدیث یازدهم علی بن حارث بن مغیره از جد خود روایت کرده و گفته که
عرض کردم بخدمت حضرت صادق ع که ایام فترت خواهد شد که مسلمانان
امام خود را در آن ایام نخواهند شناخت فرمود که چنین گفته
شده که میگوئی یعنی چنین خواهد شد عرض کردم پس در آن وقت
چه طور رفتار کنیم فرمود که اگر این فترت واقع شد بطریقه که
در دست دارید چنگ بزنید و با آن رفتار بکنید تا طریقه دیگر

برای شما ظاهر شود **حدیث دوازدهم** ابی مرهف
روایت میکند که حضرت صادق ع فرمود که محاصیر هلاک میشوند
عرض کردم محاصیر چیست فرمود تعجیل کنندگان بظهور فرج و نجات
میباشند مقربان یعنی کسانی که میگویند فرج نزدیکست بظهور
آن امیدوار میشوند یا آنکه بسبب تقرب یافتن در کرده های الهی در
این مقام صبر میکنند وقتی که حصار دولت مخالفان در روی
بنا بر استقرار بهم رساند یعنی امور سلطنتشان قوام گرفت محکم
گردید بنا بر این در خانهها بنشینید یعنی برای طلب خلافت
برای ظهورها نباید زیرا که ضرر فتنه بکسی میرسد که در برانگیزانند
هر وقت که ایشان در باره شما اراده اذیت میکنند خدا تعالی
ایشان را بمشغله گرفتار میکند که ایشان را از آنچه اراده کرده اند
باز میدارد مؤید این حدیث شریف ابوبکر حضرمی روایت کرده
روایت کرده و گفته که من و ابان بن تغلب بخدمت حضرت
صادق ع مشرف شدیم در زمانیکه علمهای سیاه در نواحی
خراسان ظاهر شده بودند و بخدمت آن حضرت عرض کردیم
که آیا رای تو در این باب چیست فرمود که در خانهها بنشینید

وقت که ما را دیدید بر سر مردی جمع شده ایم آنوقت انجب
جنگ برداشته بسوی ما بیایید **بیان** نتیجه از ذکر این
دو امر و صحبت این باشد که در زمان غیبت انتظار فرج بردن و امیدوار
بودن بظهور قائم و خواستن آن بعجل از درگاه خدا تعالی و ثبات قدم
در جادهٔ دین و صبر نمودن در نامرادیها و بلیات و فرار از مخالفان و عدم
تعجیل نمودن بر فنا امام زمان و سکوت در متشابهات قرآن و اخبار و کتمان
سر و اسرار دین و دفع قضاء احتیاجات ایشان و تابع شدن بفرمودهٔ
علماء اعلام و حضرات حجج اسلام کثر الله امثالهم و مدعی دروس
المسلمین ظلالهم و در گوشه خانه نشستن و درها بروی خود بستن از
مخالطهٔ غیر ضروری ابناء زمان در رهنمان رعه و اختلافات طوایف دنیا
طلب و کناره شدن از بدعتها و اهل بدعت وظیفهٔ مؤمنین بسبب نجات
از وقوع فتنه و ضلالت است **خواجه** میفرماید بسی منقلب
دام محنت است که یار سوی لطف خدا ور نه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم
پس حالا تمام امیدواران بطلعت غراء و انتظار بندگان دوست
حضرت محمدی ص بمضمون این شعر مترنم اند و بزبان حال گویند

ای مدتی بر همه وقتی بغایب | سایه نشین چند بود آفتاب
منتظران را بلب آمد نفس | ای تو فریاد بفریاد رس
شحنه توئی قافله تنها چراست | قلب تو داری علم آنجا چراست
سکه تو زن تا امرا کم زنند | خطبه تو خوان تا خطبا دم کشند
باز کش این مسند از آسودگان | غسل کن این منبر از آلودگان
ما همه جسمیم بیا جان تو باش | ما همه دیویم سلیمان تو باش

آیه چهارم

قوله تعالی أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ فی سورة النحل
یعنی آمد امر خدا پس شتاب نکنید بآن در خصوص این آیهٔ
کریمه عبد الله بن کثیر روایت کرده که آنحضرت فرمود که امر ما یعنی
ظهور قائم ما ست ز امر خدا که در خصوص آن تعجیل نباید کرد و این
امر لشکر قوتش میباید یکی ملائکه دوم مؤمنان سیم رعب و
خوف ما است که در دلهای دشمنان ما باشد و خروج قائم مثل خروج
رسول خدا است ص و اینکه گفته معنی قول خدا است کما اخرجک
ربک من بیتک بالحق یعنی چنانچه ترا خدای تو از خانهات بحق و
راستی بیرون آورده، از حضرت باقر روایت شده که شتاب کنندگان
کان در خصوص ظهور این امر هلاک میشوند یعنی از دین

واعتقاد خودشان بر میگردند و نجات می یابند تا انکه انرا
نزدیک میشمارند و بظهورش امیدوار میشوند جابر رض از
حضرت باقر ع روایت نموده که انحضرت فرمود که مثل کسی که از
ما اهل بیت پیش از ظهور قائم ع خروج کند مثل بچه مرغ است
که بپرد و بر زمین دیوار بیفتد اطفال با ان بازی کنند ایضا
جابر بن یزید از حضرت باقر ع روایت نموده که ان حضرت فرمودند ساکن
شوید و ارام بگیرید مادامیکه اسمانها و زمین قرار گرفته
یعنی بر احدی خروج مکنید که این امر یعنی اینکه خلافت حق
ما است مخفی و پنهان نیست اگاه باشید این امر برای خدا تعالی
بما رسیده نه از خلایق که ان از افتاب روشن تر است یعنی سزاوار
بودن ما برای خلافت از افتاب اشکار است یا صبح را میشناسید
امر ما برابر صبح است که در ان خفا و پنهانی نیست و نیز در ذیل
حدیثی میفرماید کسانی که این امر را تمنا میکنند بطوری که
در مقام تسلیم نمی باشند دروغ گو باشند یعنی در ادعای
دوستی ما کاذبند ایضا از ابی بصیر رض روایت شده
که گفته که بخدمت حضرت صادق ع عرض کردم که فدای
تو شوم فرج کی خواهد شد فرمود ای ابی بصیر تو از کسانی

هستی که اراده تحصیل مال و جاه ندارند زیرا که هر که این امر را شناسد
یعنی بداند که قائم ال محمد ع هست و غیبت نموده و بعد از مدتی
ظاهر خواهد شد و منتظر ظهور وی باشد هر اینه همین انتظار بهر
وی فرج است پس با وجود این فرج شتاب نمودن بظهور انحضرت
دلیلی است بر اینکه ان شتاب و تعجیل برای فرج دینی نیست بلکه بتحصیل
مال و جاه دنیوی باشد نه برای فرج دینی زیرا که فرج دینی بانتظار
حاصل شده است ایضا مجلسی ره روایت نموده که در ذیل حدیث قدسی خدا
میفرماید که بعد از نبوت محمد را کامل میگردانم با پسرش که باعث
رحمت است بر عالمیان و در او است کمال عیسی نورانیت موسی صبر ایوب و به
زودی دوستان من در زمان وی یعنی در زمان غیبتش ذلیل میشوند سرهای ایشان
مانند سرهای طایفه ترک و دیلم از بسیاری ذلت و خواری پایین میشود پس
کشته و سوزانیده میشوند و در زمان ترسان و هراسان میباشند روی
زمین چون رنگین میشود اه و ناله در میان زنانشان اشکار گردد
دوستان حقیقی منند بهمه فتنه های شدیده را ببرکت ایشان دفع میکنم
و بسبب ایشان تزلزل و اضطراب از خلایق زایل میگردانم و سختی و بلا
ها را دفع مینمایم بر ایشان باد رحمتهای پروردگار عالم ایشانند

در سیزدهم بحار

هدایت یافتگان **ایضاً** در ذیل حدیث مفضل ابن عمران
حضرت صادق ع روایت میکند که خدای تعالی دانسته است که
در خصوص آنحضرت در حال غیبت دوستانش شک نمی کنند و
اگر میدانست که در این باب و ایشان هم مانند دشمنان شک
میشود هر آینه حجت خود را یک لحظه غایب نمی گردانید پس این غیبت
واقع نمی شود مگر برای شرار **ایضاً** از آنحضرت صادق ع روایت شده که
آنحضرت فرموده که بر خدای تعالی واجب است که شیعه را با غیبت آن
امتحان نماید پس در این وقت اهل باطل شک می کنند زراره می گوید
عرض کردم فدای تو شوم اگر آن زمان را دریابم چه باید کرد فرمود
اگر آن زمان را دریابی این دعا را ورد کن اللهم عرفنی نفسک
فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک اللهم عرفنی
رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک اللهم
عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن
دینی **و نیز** از عبدالله بن سنان روایت است که حضرت
صادق ع فرمود که بر دو شیعه را شبهه برسد در اثنای این

شبهه امامی نمی یابید که هدایت کند از آن شبهه نجات نمی یابد مگر
کسیکه با دعای غریق دعا بکند عرض کردم که دعای غریق چگونه است فرمود
که چنین میگوئی یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی
علی دینک **آیه پنجم** قوله تعالی فی سورة الانعام
در آیه یکصد و پنجاه و هشت محل شاهد یوم یأتی بعض آیات ربک
لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا
قل انتظروا انا منتظرون حاصل معنی آیه شریفه این است در روزیکه
بعض آیات علامات الهی ظاهر شود کسانیکه پیش از آن روز بامامت آنحضرت
اعتقاد نکرده اند یا اینکه اعتقاد کرده اند لکن در ایام اعتقادشان
عمل خیر نکرده اند هر آینه اعتقادشان در آن روز بامامت آنحضرت برای
ایشان نفع نخواهد بخشید بعد از آن فرمود که طوبی باد بر شیعیان قائم
ما که در ایام غیبت و بظهورش منتظر و در زمان ظهورش با جان او
مطیع منقاد باشند دوستان خدا که لا خوف علیهم و لا هم یحزنون
حضرت صادق ع بابی بصیر فرمود که از دین و عبادات است از روز خروج قائم
منتظر ع که از ما اهل بیت است **بیان** در اینکه آن دو روز خروج

حضرت حجت ع است حرفی نیست اگر معاندین بغرض گویند
که روز قیامت است وجهی نخواهد داشت زیرا که قیامت روز
جزا است نه روز تکلیف و عمل پس باید در این دنیا باشد که ایمان
آوردن منفعت ندهد والا در آخرت تکلیف ایمان و ایمان آوردن
نیست و مراد از ایمان بنا بقول امام اعتقاد کردن بامامت ستد
دوره یازده معصوم این قرینه بود که کسی ایمان آورد و با و نفع
نبخشد پس معین شد که اختصاص این بایام ظهور امام دوازدهم است

آیه ششم قوله تعالی فی سوره البقره در آیه صد و پنجاه و چهارم
وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ
الثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ظاهر آیه شریفه یعنی البته امتحان می
کنیم شما را با چیز قلیلی از ترسیدن و گرسنگی و باکم شدن از اموا
و نفسها و میوه‌ها و مژده بده بصبر کنندگان آنجا ر جعفی روایت
کند که از [illegible] پرسید از تفسیر این آیه فرمود یا جابر معنی این
مضمون این آیه خاص است گرسنگی است در نزد خداوند عالم [illegible]
بدشمنان آل محمد ع خصوص میگرداند پس آن گرسنگی ایشان را
هلاک میگرداند و آنچه عام است در شام است پس با اهل

آنجا خواه دشمن آل محمد ع و خواه دوست ایشان باشد بیم و گرسنگی
بنوعی میرسند که اصلا مانند آن نرسیده اند و رسیدن گرسنگی به
ایشان پیش از قیام قائم ع و رسیدن بیم بعد از قیام آن حضرت است

آیه هفتم فی سوره البقره در آیه صد و چهل و هفتم قوله
تعالی فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا
یعنی پس سبقت کنید بر خیرات در هر جا باشید میاورد
خداوند همگی ابو خالد روایت میکند که حضرت باقر ع
فرمود که مراد از خیرات ولایت ما است و قول خدا تعالی
أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا عبارت از اصحاب حضرت
قائم ع که سیصد و سیزده نفر اند بعد از آن فرمود که بخدا
سوگند یاد میکنم هر اینه ایشانند امت معدوده که در
قرآن است بخدا سوگند یاد میکنم هر اینه ایشان در یکساعت
مانند ابرهای پائیز جمع میشوند در روایت دیگر هر وقتی که قائم
ع قیام نماید خدا تعالی شیعه را نزد وی از همه شهرها جمع
میکند بیان جمع شدن اولیاء الله را که انصار حضرت

حضرت حجت ع است حرفی نیست اگر معاندین بغرض گویند
که رجعت قیامت است وجهی نخواهد داشت زیرا که قیامت روز
جزا است نه روز تکلیف و عمل پس باید در این دنیا باشد که ایمان
آوردن منفعت ندهد والا در آخرت تکلیف ایمان و ایمان آوردن
نیست مراد از ایمان بنا بقول امام ع اعتقاد کردن بامامت ستدن
دوازده معصوم این قرار بود که کسی ایمان آورد و با و نفع
بخشد پس معین شد که اختصاص این بایام ظهور امام و از دهم است

آیه ششم قوله تعالی فی سورة البقرة در آیه صد و پنجاه و چهارم
وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ
الثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ظاهر آیه شریفه یعنی البته امتحان می
کنیم شما را با چیز قلیلی از ترس و یک و گرسنگی و با کم شدن از اموال
و نفسها و میوه‌ها و مژده بده بصبر کنندگان از جابر جعفی روایت
ست که از حضرت امام ع پرسید از تفسیر آیه فرمود یا جابر بعضی از
مفهوم این آیه خاص است گرسنگی است در روز خداوند عالم انواع
بدشمنان آل محمد ع مخصوص میگرداند پس از گرسنگی ایشان
هلاک میکردانند و اخبر عام است در شام است پس با اصل

آنجا خواه دشمن آل محمد ع و خواه دوست ایشان باشد بهم و گرسنگی
بنوعی میرسد که اصلاً مانند آن نبوده اند و رسیدن گرسنگی به
ایشان پیش از قیام قائم ع و رسیدن بهم بعد از قیام آن حضرت است

آیه هفتم فی سورة البقرة در آیه صد و چهل و هفتم قوله
تعالی فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا
یعنی پس سبقت کنید بسوی خیرات در هر جا باشید می آورد
خداوند همگی ابوخالد روایت میکند که حضرت باقر ع
فرمود که مراد از خیرات ولایت ما است و قول خدا تعالی
أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا عبارت از اصحاب حضرت
قائم ع که سیصد و سیزده نفرند بعد از آن فرمود که بخدا
سوگند یاد میکنم هر آینه ایشانند امت معدوده که در
قرآن است بخدا سوگند یاد میکنم هر آینه ایشان در یک ساعت
مانند ابر پاییز جمع میشوند در روایت دیگر هر وقتی که قائم
ع قیام نماید خدا تعالی شیعه را نزد وی از همه شهرها جمع
میکند بیابان جمع شدن اولیاء الله را که از اصحاب حضرت

ولی الله الاعظم ارواحنا فداه هستند الحاق بن یک ربانی
مناسب فناد تا شنوند که آن راجع شدن ایشان در یکساعت
تعجب ننماید آصف بن برخیا بلقیس را با تخت وی از
سبا آورد باین علم که ذکر کردیم نزدتر از طرفة العین پس چیست
امام علیه السلام بر ولی الله عطا کردیده علم کل شیء **آیه**
هشتم فی سورة یونس در آیه سی و چهارم قوله تعالی **اَفَمَن**
یَهدِی اِلَی الحَقِّ اَحَقُّ اَن یُتَّبَعَ اَمَّن لا یَهِدِّی اِلّا اَن یُهدی
فَما لَکُم کَیفَ تَحکُمُونَ ظاهر معنی آیه پس کسیکه هدایت میکند
یعنی راه مینماید سزاوار است اینکه مطبوع بشود یعنی متابعت
کرده شود یا آن کسیکه هدایت نمی یابد یعنی خودش راه نمی یابد
مگر اینکه هدایت کرده شود یعنی راه نموده شود پس چیست شما را
چطور حکم میکنید اسماعیل بن صباح روایت کرده که از شیخی
شنیدم که از سیف بن عمیره سخن نقل میکرد می گفت که در نزد ابی
جعفر دوانیقی بودم از او شنیدم که ابتدا از وی پرسیده شود می گفت که
یا سیف بن عمیره چاره است این ندا کنند که بنام مردی از اولاد
ابی طالب ندا میکند عرض کردم که یا امیر المؤمنین من

مثل این حدیث را هرگز نشنیده بودم گفت یا سیف وقتی که
این ندا واقع گردید ما اول کسانی می باشیم که بآن ندا جواب
میکنیم آگاه شوید که آن شخص یکی از عموزادگان شما است گفت
مرد نیست از اولاد فاطمه علیها السلام بعد از آن گفت اگر این حدیث را از
امام محمد باقر علیه السلام نمی شنیدم و همه اهل زمین این را از او نقل می
کردند من از ایشان قبول نمی کردم لیکن از امام محمد باقر شنیدم
بیان ابی جعفر منصور عقیده مند که هر خبری که از غیر امام علیه السلام
برسد احتمال کذب در آن میرود زیرا که در غیر امام علیه السلام عصمت نیست
که مانع از دروغ و سایر معاصی باشد بخلاف حدیثی که از امام علیه السلام
باشد که این احتمال کذب در آن نمی رود و باید تصدیق کرد
بواسطه عصمتی که در وجود او هست **آیه نهم** در
سوره فصلت در آیه پنجاه و دوم قوله تعالی سَنُرِیهِم آیاتِنا فِی
الآفاقِ وَفِی اَنفُسِهِم حَتّی یَتَبَیَّنَ لَهُم اَنَّهُ الحَقُّ و ترجمه یعنی
نشان خواهیم داد آیات خود ما را در اطراف عالم و در نفسهای
ایشان تا ظاهر و آشکار گردد برای آنها اینکه او حق است **ثعلبه**
از طیار و او از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که آن حضرت فرمود که

آیات خدا که آنها را با ایشان بعد از این خواهد نمود فرو بردن
زمین و مسخ شدن دشمنان آل محمد ع و انداختن ایشان است
راوی گوید که بخدمت آنحضرت عرض کردیم که مراد از یتبین لهم
چیست فرمود آنرا بگذار آن قیام قائم ع است **آیه دهم**
در سوره سبا در آیه هجدهم قال تعالی وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا
فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ یعنی سیر کنید در آن یعنی در روی زمین شبها
و روزها در حالتی که در امن هستید شیخ صدوق ره در علل الشرایع از
حضرت صادق ع روایت کرده که از ابو حنیفه پرسید که این منیت در
کدام سرزمین است از بقعه‌های روی زمین ابو حنیفه در جواب گفت چنان
گمان دارم که آن سرزمین ما بین مکه و مدینه باشد پس آن حضرت ع
باصحاب خود متوجه شده فرمود که آیا میدانید که در میان مکه و مدینه سر راه
خلایق بریده میشود و اموال ایشان از ایشان گرفته میشود و از خود
خاطر جمع نمی‌شوند تا آنکه کشته میگردند ایشان عرض کردند
که آری چنین است که ... پس ابو حنیفه ساکت شد بعد از
آن آنحضرت باو فرمود که یا ابا حنیفه خبر ده بمن از قول خدا تعالی
وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا یعنی هر که بآنجا داخل شود در امن میباشد
آنحضرت از او پرسید آن سرزمین که هر کس بآنجا داخل شود در

امن میباشد کدام است ابو حنیفه گفت کعبه آنحضرت
فرمود که آیا خبر داری که حجاج بن یوسف پسر زبیر را در
کعبه بالای منجنیق گذاشت و او را کشت آیا بنابراین
پسر زبیر در امن بود راوی گوید پس ابو حنیفه نیز ساکت گشت
خوب گفته است شاعر این بیت را در این مورد
فَإِنَّ كَبِيرَ الْقَوْمِ لَا عِلْمَ عِنْدَهُ صَغِيرٌ إِذَا الْتَفَّتْ عَلَيْهِ الْمَحَافِلُ
یعنی پس بدرستیکه بزرگ قوم که نباشد علم و دانش در نزد
او کوچک است زمانیکه اجتماع کند بر او انجمنها وقتی که ابو
حنیفه از مجلس آنحضرت بیرون رفت ابو بکر حضرمی بخدمت
آنحضرت عرض کرد که فدای تو شوم جواب این دو مسئله چیست
فرمود یا ابا بکر آیه سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ عبارت
است از سیر کردن و راه رفتن با قائم ما اهل بیت یعنی کسانیکه
در ایام ظهورش در خدمتش راه میروند در امن میباشند
و معنی آیه وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا این است که هر کس به
بیعت قائم ع داخل شود و بدست مبارکش دست بزند و داخل
اصحاب آنحضرت شود در امن است خواجه حافظ میفرماید

عقاب بجور کشاده است بال در همه شهر و حقیر میکویم مکر
ولایت انها که مامون ابا ما است **آیه دوازدهم**
قال تعالی فی سورة النمل امن یجیب المضطر اذا
دعاه ویکشف السوء ویجعلکم خلفاء فی الارض یعنی ایا سوای خدا
کدام شخص دعای مضطر را در وقتی که خدا را میخواند قبول میکند
چه حاجت است تا مین جبرئیل امین دعا می کند و مستجاب می گردد
وشما را می گرداند خلیفه های روی زمین می کند در ذیل حدیثی
حضرت ابو جعفر ع فرمود که بخدا سوگند یاد میکنم هر اینه او است
ان مضطری که خدای عز و جل در کتاب خود فرموده پس آیه را
تلاوت فرمود امن یجیب المضطر اذا دعاه الی اخر **آیه سیزدهم**
قوله تعالی فی سورة الرحمن آیه چهل یک یعرف المجرمون بسیماهم
فیؤخذ بالنواصی والاقدام یعنی که کافران از سیمای خود شناخته
شناخته می شوند پس از پیشانی و پاهای ایشان گرفته می شوند در
خبر است که حضرت صادق ع از معاویه دهنی پرسید یا معاویه در
خصوص این آیه چه میگویند عرض کرد که چنان گمان می کنند

که خدا یتعالی در روز قیامت کافران را از صورت و سیمای
ایشان می شناسد پس از پیشانی و پاهای ایشان گرفته با تش جهنم
انداخته میشوند آنحضرت فرمود که خدا یتعالی چگونه احتیاج دارد
بشناختن مخلوقی که خود او را خلق و ایجاد کرده تا اینکه بگویند که خدا
ایشان را از صورت و سیما می شناسد عرض کردم که فدای تو شوم پس معنی
آیه چه میشود فرمود وقتی که قائم ما قیام میکند خدا او را چنان میفهماند
که خدا تو را از صورت و سیما می شناسد امر میکند کافر را از پیشانی و پاهایش
می گیرند با شدت و سختی شمشیر با و میزنند **آیه چهاردهم**
قوله تعالی فی سورة آل عمران افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی
السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون آیه هشتاد وسیم
ظاهر معنی ایا پس غیر از دین خدا را میجویند حال انکه مر او
مطیع و منقاد شده آنکه در آسمانها و آنکه در زمین است پاره
از صمیم قلب پاره با کراه از ابن بکیر روایت است که او می
گوید از ابو الحسن ع پرسیدم از قول خدا یتعالی وله اسلم الخ
فرمود که در شان قائم ع نازل شده وقتی که آنحضرت بر
یهود و نصاری و انانکه بر ملائکه عبادت میکنند بر زند بیان
زنند بی کسی را کو کنند که سد من تا شد یا اینکه دهر را صانع ندانند

و مرتدان و کافران در شرق و غرب عالم خروج میکنند

و اسلام را بر ایشان تکلیف مینماید پس هر که از ایشان به

صمیم قلب اسلام را قبول نماید و را بنماز و زکوة و بهر آن

چیزیکه مسلمانان با آنها مأمور میشوند و آن برای خدا بر کردن او

واجب است امر میکند و هر که اسلام نیاورد گردنش میزند حتی

در بلاد شرق و غرب احدی باقی نمیماند مگر اینکه خدا را توحید

میکند عرض کردم فدایت شوم خلایق بسیارند چگونه میشود همه

ایشان را با سلام آورد یا بقتل رساند فرمود که خداوند گار وقتی

که چیزی را اراده نمود بسیار را کم و کم را بسیار میکند **لمؤلفه**

توانا است چون خالق بود و هم او از آنست نامند پروردگار

آیهٔ پانزدهم

قوله تعالی فی سورهٔ هود در آیهٔ هشتم وَلَئِن

أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ یعنی اگر عذاب را از ایشان

تا بوقت خروج امت معدوده تاخیر نمائیم) حضرت ابی جعفر ع در تفسیر

و تعریف سیصد و سیزده نفر اصحاب قائم ع فرمود بخدا سوگند یاد میکنم

هر آینه ایشانند امت معدوده بعد از آن فرمود که انها در یک

ساعت مانند ابرهای وقت پائیز جمع میشوند **لمؤلفه**

عجب نیست این سیر از زکریا که نبوند کم ز آصف برخیا

آیهٔ شانزدهم

قوله تعالی فی سورهٔ سبا در آیهٔ پنجاه و یکم

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ظاهر

معنی اگر ببینی ایشان را در وقتی که اضطراب و فزع می کنند هر

آینه نجات از ایشان فوت نخواهد شد از جایگاه نزدیک

یعنی زیر پای ایشان گرفته میشوند

آیهٔ هفدهم

قوله تعالی فی

سورهٔ سبا در آیهٔ پنجاه و دویم تا آخر سورهٔ مبارکه مشتمل است باحوال ظهور وَقَالُوا

آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِن

قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ

كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ ترجمه ظاهر

آیات) و گفتند ایمان آوردیم باو و کجا بود برای ایشان رسیدن بآن از مکان

دور و حایل شد در میان ایشان و میان آنچیزیکه میل و اشتها میکنند چنانکه

کرده شد با تابعین ایشان پیش از این بدرستیکه بودند ایشان در شک

ریب آورنده) در مجمع البیان از علی بن الحسین و امام حسن مجتبی ع روایت

میکند که سپاه سفیانی گرفته میشوند از زیر پاهای ایشان التناوش

یعنی تناول الایمان من قبل یعنی ان التکلیف یقذفون

یعنی آنکه عذاب کرده نشوند

و بتحقیق کافر شده بودند پیش از آن و تهمت می گفتند بر غیب

یعنی مثل اینکه سنگ میاندازند بتاریکی یعنی بظن و گمان
حکم میکنند و تکلم میکنند بانچه ظاهر نشده است از برای ایشان
و قوله تعالی من مکان بعید یعنی بعد انقضاء زمان تکلیف بدستیکه
انها طلب کردند هدایت را از جاییکه دست غیر رسد حال انکه بود
برای انها عنایت بذل شده از جاییکه دست میرسید ممکن بود
تفسیر صافی حدیث مذکور است که معنی اینست بفارسی نزدیک باین
که در خدمت حضرت رسول صلعم ذکر شد فتنه در ما بین اهل مشرق و
مغرب فرمود پس در حینی که انها در این حال هستند خروج میکنند
انها سفیانی از وادی یابس تا نازل میشود بدمشق پس بر انگیزاند
دو لشکر لشکری بسوی مشرق و دیگری را بسوی مدینه تا اینکه نازل
میشوند بزمین بابل که از شهر ملعون است یعنی بغداد
پس میکشند در ان زیاده از سه هزار نفر و رسوا میکنند
از صد زن و بقتل میرسانند سیصد نفر قوچ یعنی مرد شجاع از بنی عباس
بعد از ان میریزند بکوفه پس خراب میکنند اطراف انرا بعد که خارج
میشوند و میاورند بسوی شام پس خارج میشود بیرق هدایت
از کوفه پس نمیخورد باین قشون پس میکشند انها و اخلاص

بعید

شود از ایشان خبر دهند و میگیرند انچه را که در دست
ایشان است از اسیران و غنایم و داخل میشود در مکه بهمت
پس غارت میکنند انجا را سه روز و سه شب بعد از ان
خارج میشوند و میاورند بسوی مکه تا اینکه میباشند
در بیدا مبعوث میشود جبرئیل پس میزند بپای خود ضربتی و زمین
برد خدا ان لشکر را در زمین و نمیگردد از انها از
دو نفر از جهینه پس از اینجاست که مثل شده است ع
عند جهینة الخبر الیقین مشهور است که نام انها وبر و وبره
است و رویهای ایشان برپس کردانیده میشود به پس پس راه
میروند نجات یافتن ان دو نفر برای این است که خبر
لشکرها را خبر دهند در روایت دیگر نام یکی بشیر بود و از
دیگری نذیر انکه نزد حضرت قائم ع میرود نام او بشیر و نام
ان دیگر که نزد سفیانی میرود نذیر **احتمال** میرود که
این دو نام اخیر نام دو یمانی دو مرد باشد باین معنی ملکی
که رویهای ایشان را معتبر کردانیده باین نام ها مخاطب
داشته باشد و بانکه خدمت حضرت حجت ع میرود باد

میگوید بدست مبارک حضرت قائم ع توبه کن ان
هم توبه میکند و قبول میشود   از اینجاست که گفته
اند ساعات شقاوت تا آخر عمر با انسان همراه رقیب
یکدیگرند تا کدام در آخر غالب آید   **لمؤلفه**
ساعات شقاوت اگر بیش و گر کم   با انسان رفیق اند تا آخر دم
آیه هجدهم قوله تعالی فی سورة الأنفال در آیه سی و نهم
وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ
یعنی با ایشان قتال بکنید تا اینکه فتنه واقع نشود و
همه دینها از برای خدا باشد ابو جعفر ع فرمود بخدا سوگند یاد
میکنم هر آینه با کفار قائم ع می جنگد تا اینکه خدا تعالی توحید
کرده شود و با او شرک قرار داده نشود و تا اینکه پیره زنی از شرق
زمین برخیزد و بمغرب زمین بیاید و احدی با او متعرض نشود
و خداوند عالم در آن روز گنجهای زمین را میرویاند
از آسمان باران میباراند و خلایق خراج خود را بر پشت
گرفته بخدمت مهدی ع میاورند   **آیه نوزدهم**
قوله تعالی فی سورة الأنبیاء در آیه دوازدهم   فلما

احسوا

أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ   لَا تَرْكُضُوا وَ
ارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ
قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ   فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ
حَصِيدًا حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ خَامِدِينَ   در وقتیکه کفار شدت محاربه
ما را دیدند ناگاه از آن محاربه میگریزند نگریزید بسوی
خزینه هائیکه بسبب آنها طغیان کردید بمسکنهای خود
برگردید امید هست که از اینها سؤال کرده شوید میگویند
ای وای بر ما بدرستیکه ما از جمله ظالمان بودیم پس این کلمه
برای ایشان ورد زبان گردید تا وقتیکه ایشان را مانند قصیل
زراعت بریدیم و از پا در آوردیم و در جایگاه خود شان خاموش
گردانیدیم   بعد از آن ابو جعفر ع فرمود که قائم ع از بنی امیه
باقی نمیگذارد که خبر ببرد و این جنگ در سرزمین کوفه واقع
میشود بعد از خبر دیگر امام ع میفرماید نمی بینم احدی از ایشان
را که از خندق بسمت کوفه بگذرد که خبر ببرد بلکه کشته می
شوند بعد از آن داخل کوفه میشود و این بعد از برگشتن
از مدینه منوره میشود   ابو جعفر ع میفرماید که گویا اصحاب قائم ع

را می بینم که بنجف اشرف بالای منبر تنها سیصد و سیزده
نفر بند گویا که دلهای ایشان آهن پاره ها هستند جبرئیل ع در
سمت راست و میکائیل ع در دست چپ میباشند و رعب
یکماهه راه از سمت پیش رو و یکماهه راه از سمت پشت سر میرود و
بد کهای دشمنان نشیند خداوند کردگار با پنج هزار ملایکه مسوم
یعنی ملکی که علامت و نشانه دارد با آن نشانه در اثنای جنگ شناخته
میشوند یاری و حمایت و یاری میکنند تا اینکه بنجف اشرف بالای منبر
در اینحال باصحاب خود می فرماید که امشب را باطاعت و عبادت بگذرانیم
پس ایشان با رکوع و سجود و گریه و زاری شب را بصبح میکنند و وقتی که
آنحضرت صبح میکند میفرماید که بیائید که نخیله را با ما پیش
بگیرید و در آنوقت اطراف کوفه خندق میشود عرض کردند یا اطراف
خندق میشود فرمود آری بخدا سوگند یاد میکنم پس آنحضرت
نخیله را پیش می گیرد تا اینکه در نخیله بمسجد ابراهیم میرسد و دو
رکعت نماز در آنجا ادا میکند آنوقت لشکر سفیانی در کوفه از
طایفه مرجیه و غیر ایشان بر آنحضرت خروج مینمایند پس آن
حضرت باصحاب خود میفرماید که بر ایشان حمله کنید

ازدو

دو برای جنگ بایشان روی آورید آیه بسم قوله تعالی
فی سورة التوبة در آیه سی و سیم هو الذی ارسل رسوله
بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره
المشرکون یعنی او است آنکسیکه پیغمبر خود را با هدایت
دین حق فرستاد تا اینکه دین حق را بر همه دینها غالب گرداند هر
چند مشرکان آنرا ناخوش دارند ابو جعفر ع فرمود که چون قائم
خروج مینماید مشرکی و کافری نمیماند مگر اینکه خروج او
را ناخوش میدارد و دین ها غلبه تمام دینها که نتیجه رسالت
و ارادهٔ حضرت احدیت الهی است در عهد حضرت رسول ص
و یازده امامان علیهم السلام بعمل نیامد باید مصداق آن
پیدا کند در ظهور حضرت قائم ع که در کره زمین غیر از
کلمه طیبه لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی و اولاده ع
اولیاء الله کلمه دیگر مسموع نشود یعنی آنوقت کافر و یک
نفر مشرک پیدا نمی شود

لمؤلفه الفانی

ظلمت کفر چون دود از خاک بخشد و نور بر همه افلاک

آیهٔ بیست و یکم قوله تعالی فی سورة ابراهیم ع

در آیهٔ چهل و پنجم وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ یعنی ساکن میشوید در مسکنهای آنکسانیکه بنفسهای خود شان ستم کرده اند عیاشی در تفسیر خود از حضرت صادق ع روایت کرده است از چند نفری از کسانیکه در خدمت آنحضرت بودند در حالیکه مردی میگفت که خانهٔ صالح و عیسی بن باقی هستند هنوز خراب نشده است خانهای بنی عباس را ثمره گفت که خدا آنها را بما بنماید در حالیکه خراب یا اینکه بدست ما خراب گردانند پس در حال آنحضرت فرمود که چنین مگو بلکه بگو که خدا آنها را مسکن قائم ع و اصحاب او گرداند آیا نه شنیدی این قول خدای عز و جل را وَسَكَنتُمْ الی آخرها

آیهٔ بیست و دوم قوله تعالی فی سورة آل عمران

در آیهٔ صد و هفتاد و نهم مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ یعنی خدای تعالی مؤمنان را نمی گذارد با حالتی که شما بآن هستید

تا اینکه خبیث و بدکار را از نیکوکاران جدا نماید از ابان بن تغلب روایت شده که او گفت از حضرت صادق ع شنیدم میفرمود که دنیا بآخر نمیرسد تا وقتیکه منادی از آسمان ندا نماید که ای اهل حق بیکجا جمع بشوید پس همه ایشان در یک سر زمین جمع شوند بعد از آن دفعهٔ دیگر ندا میکند که ای اهل باطل بیکجا جمع بشوید پس ایشان هم در یک سرزمین جمع میشوند عرض کردم که آیا یکی از این دو فرقه قادر و توانا میباشند که بمیان فرقهٔ دیگر بروند فرمود نه بخدا سوگند یاد میکنم و این است معنی قول خدای تعالی ما کان الله الخ تلاوت فرمودند

بیان این تمیز در زمان هیچ کدام از ائمه ع بعمل نیامده است یعنی نشده است که از امام زمان خود [illegible] و بقوم دیگر از اهل باطل و اهل کفر و ضلال ملحق نشوند و راه شقاق و نفاق را پیش نگیرند ظهور مصداق این مقصود در عهد حضرت قائم ع خواهد شد

آیهٔ بیست و سیم قوله تعالی

فی سورة الانعام در آیهٔ هشتاد و نهم فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ یعنی اگر این جماعت کفران

نمایند باین انکار نمایند تو اهرا بینه قومی را بان موکل میکنیم
که بان کفران کنند نیستند و او انکار نمی کنند از سلیمان
بن هرون بجلی روایت شده که او گفت حضرت صادق ع فرمود
که صاحب این امر نگه داشته شده است اگر همه خلایق بمیرند خد
وند تعالی هر اینه اصحاب او را بر او جمع میکند ایشانند آنانکه
خدا تعالی در شان ایشان فرموده فَاِنْ یَکْفُرْ بِهَا حضرت آیه را
تلاوت فرمود و نیز ایشانند آنانکه خداوند در شان ایشان
فرموده آیه بیست و چهارم قوله تعالی فی سورة
المائدة در آیه پنجاه و چهارم فَسَوْفَ یَاْتِی اللّٰهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ
وَیُحِبُّونَهُ اَذِلَّةٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ اَعِزَّةٍ عَلَی الْکَافِرِینَ
یعنی بزودی خدا خلق میکند قومی را که پیغمبر ایشان را دوست
میدارد و ایشان هم او را دوست میدارند ایشان را نزد
مؤمنان ذلت و فروتنی مینمایند و نسبت به کافران اظهار
عزت و شوکت میکنند بیان اگرچه آیه مبارکه در خصوص
حضرت امیر المؤمنین ع و اصحاب او نازل شده است ولی

دو هفت

در تفسیر صافی از قمی ع روایت کرده که در خصوص حضرت قائم
ع نازل گشته قطع نظر از خبر مذکور بمقتضای تعمیم آیه
سر نفیر تا دامن قیامت بحال کسانی که باین صفت موصوفند
مضمون آیه شامل میباشد آیه بیست و پنجم قوله
تعالی فی سورة الحج در آیه چهل و یک الَّذِینَ اِنْ مَکَّنَّاهُمْ
فِی الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَآتَوُا الزَّکٰوةَ وَاَمَرُوا بِالْ
مَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَلِلّٰهِ عَاقِبَةُ الْاُمُورِ یعنی
ایشان آنانند که اگر در زمین بایشان تمکین بدهیم
ایشان نماز را بر پا میدارند و زکوة را میدهند بمعروف امر می
کنند نهی از منکر مینمایند عاقبت کارها برای خدا است
زید بن علی ع روایت میکند که چون قائم آل محمد ص قیام مینماید
میفرماید که ای گروه خلایق مائیم آنان که خدا تعالی در کتاب
خود ایشان را بما وعده داده است الَّذِینَ اِنْ مَکَّنَّاهُمْ الخ
آیه بیست و ششم قوله تعالی فی سورة الفرقان در
آیه شصت و سیم الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْاَرْضِ هَوْنًا تا قول

تا قول خدا تعالی حسنت مستقرا ومقاما سیزده آیه است
یعنی آنانکه در روی زمین با فروتنی راه میروند نه با کبر و
منیت روایت شده که آنحضرت فرمود که مراد ازین جماعة
اوصیا اند که در روی زمین بحالت فروتنی راه میروند چون قائم ع
قیام نماید ایشان هر ناصبی را بخدمت آنحضرت ع میاورند پس اگر اقرار
اسلام یعنی بولایت ائمه علیهم السلام اقرار نمود فبها اگرنه گردنش را می
زنند مگر اینکه جزیه دادن را قبول نماید امن بدهد چنانکه اهل
ذمه میدهند **بیان** این در صورتیست که آنحضرت ع جزیه را قبول
نماید چون در خبر دیگر وارد شده که آنحضرت جزیه را قبول نخواهد
کرد و بملاحظه اینکه بغیر کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله ص
کلمه دیگر گفته نخواهد شد پس درین صورت موضوع جزیه موجود
نخواهد شد تا جزیه معمول باشد **آیه بیست و هفتم**
قوله تعالی فی سورة الاعراف در آیه چهاردهم قال انظرنی الی یوم
یبعثون قال انک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم
یعنی گفت ابلیس لع مهلت بده بمن تا روزیکه مبعوث

مبعوثند فرمود تو از مهلت داده شدگانی تا روز وقت
معلوم احمد بن محمد ابادی روایت نموده واو رفع حدیث
باسحق بن عمار کرده او گفته که از معصوم ع پرسیدم که مهلت
خدا بابلیس تا بوقت معلوم چه معنی دارد چنانچه در کتاب مجید
انک من المنظرین الی اخر آیه فرمود عبارتست از قیام قائم وقتی
که خدا تعالی آنحضرت را مبعوث گرداند در مسجد کوفه
باشد در آن اثنا ابلیس لع در روی زانوها در آید میگوید
ای وای بر ما از شر امروز پس آنحضرت از پیشانی او میگیرد و گردنش
را میزنند آن روز وقت معلوم و منتهای عمر واجل ابلیس است
آیه بیست و هشتم قوله تعالی فی سورة یس در آیه
سی و سیم وآیة لهم الارض المیتة احییناها و
اخرجنا منها حبا فمنه یاکلون یعنی آیتی برای
ایشان زمین مرده که ایشانرا زنده گردانیدیم و میوه
از آن بیرون آوردیم پس از آن میوه میخورند کابلی از علی
بن الحسین ع روایت کرده و آنحضرت فرمود که قائم

علیه السلام از اهل مدینه جمعی را بقتل میرسانند تا اینکه
بأجفر میرسد و آن نام آبی است در میان تیک خزیمه در
انجا گرسنگی شدید بایشان عارض میشود بنوعی که از شدت
آن فریاد میکنند و آن اشخاص برای ایشان وسیله می شود
از آن میخورند و توشه برمیدارند و اینست معنی قول خدا
وند تعالی (وآیة) حضرت آیه را تلاوت فرمود بعد از آن
براه میافتد تا اینکه بقادسیه میرسند در حالتی که مردم بکوفه
جمع شده و بیعت با سفیانی کرده باشند (آیه بیست
و نهم) قوله تع فی سورة الاعراف در آیه صد و هشتاد و هفت
يسئلونك عن الساعة ايان مرسيها قل انما علمها عند ربى
لا يجليها لوقتها الا هو ثقلت فی السموات والارض لا
تاتيكم الا بغتة الی آخر آیه یعنی از وقت قیام ساعة از تو می
پرسند بگو که علم آن نیست مگر در نزد پروردگار خودم او را
ظاهر نمیگرداند در وقتش مگر او و آن بر آسمانها و زمین
گرانست) از مفضل بن عمر روایت شده او گفته که از مولا

خود

خود صادق ع پرسیدم که آیا برای ظهور مهدی ع وقت
معینی هست که خلایق بدانند فرمود حاشا از اینکه خدای
تعالی برای آن وقتی معین فرماید که شیعه بدانند عرض
کردم آیا قائم این او چه راه است فرمود زیرا وقت ظهورش
عبارت است از ساعتی که خدا تعالی در کتاب خود فرموده يسئلونك
عن الساعة الخ حضرت آیه را خواند بنا بروایت مفضل چند
فقره آیات ساعت که در قرآن مجید است چنانچه مجلسی در
بحار نوشته بظهور قائم ع تاویل و تفسیر شده است و از جمله
آن آیات یکی هم قوله تع فی سورة احزاب در آیه شصت و چهارم
يسئلك الناس عن الساعة قل انما علمها عند الله وما
يدريك لعل الساعة تكون قريبا که این معنی در آن
کتابست پس بروایت مفضل حضرت صادق ع فرمود در
عبارت است همین وقت از ساعتی که خدا تعالی فرموده
يسئلونك عن الساعة ايان مرسيها آیه سی و یکم
نیز فرموده عنده علم الساعة یعنی علم ساعت در نزد خدا است

سوره والنازعات ۴۲

نه در نزد دیگر رسیت آیه سی و دوم و نیز
فرموده است هَلْ یَنْظُرُونَ اِلَّا السَّاعَةَ اَنْ تَاْتِیَهُمْ
بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ اَشْرَاطُهَا یعنی ایشان منتظر نمیشوند
مگر بساعتی که با غفلت ناگهانی بایشان بیاید بتحقیق
علامتهای ان رسید آیه سی و سیم فی سورة محمد
صلی الله علیه و آله در آیه هجدهم و نیز فرموده اِقْتَرَبَتِ
السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ یعنی نزدیک شد ساعت و منشق گردید
ماه فی سورة القمر آیه اولی و نیز فرموده وَمَا یُدْرِیکَ
لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِیبٌ یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ
بِهَا وَالَّذِینَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَیَعْلَمُونَ اَنَّهَا الْحَقُّ
اَلَا اِنَّ الَّذِینَ یُمَارُونَ فِی السَّاعَةِ لَفِی ضَلَالٍ بَعِیدٍ
یعنی چه چیز ترا دانا کرد باینکه قیام ساعت نزدیک است
آنانکه بحقیقت ان تصدیق ندارند بظهور ان میشتابند
و آنانکه بان ایمان آورده اند و تصدیق کرده اند از ظهور
ان میترسند و میدانند که ان حق است باید واقع گردد
آگاه شوید بدرستی آنانکه در خصوص ظهور ساعت مجادله میـ

کنند

کنند هر آینه در گمراهی اند و از راه هدایت دورند آیه
سی و چهارم در سورة شوری آیه هفدهم و هجدهم)
مفضل میگوید بحضرت عرض کردم که معنی مجادله چیست
فرمود این است که میگویند که قائم کی متولد شد و کدام
شخص او را دیده و در کدام مکان میباشد و کی ظهور خواهد کرد
همه این سخنان از راه تعجیل و شتابست با مر خدا الی آخر حدیث
آیه سی و پنجم قوله تعالی فی سورة الفتح در آیه دهم اِنَّ الَّذِینَ
یُبَایِعُونَکَ اِنَّمَا یُبَایِعُونَ اللّٰهَ یَدُ اللّٰهِ فَوْقَ اَیْدِیهِمْ
فَمَنْ نَکَثَ فَاِنَّمَا یَنْکُثُ عَلٰی نَفْسِهِ وَمَنْ اَوْفٰی بِمَا
عَاهَدَ عَلَیْهُ اللّٰهَ فَسَیُؤْتِیهِ اَجْرًا عَظِیمًا یعنی بدرستی
که آنانکه بتو بیعت میکنند این است جز این نیست در
حقیقت بخدا بیعت کرده اند دست خدا بالای دست
ایشانست پس هر که بیعت را بشکند ضرر بر نفس خود زده
و آنکسیکه وفا میکند بانچه بر سر آن که عهد بسته است با خدا

روی

پس خواهد داد خداوند تعالی باو مزد بزرگی بعد فرمود
حضرت صادق ع این آیه را حضرت قائم ع وقتی تلاوت
میفرماید که تنها به بیت الله میاید تنها داخل کعبه میشود و
شب میاید در حالتی که تنها است وقتی که شب تاریک شد
و خلایق بخواب رفتند جبرئیل و میکائیل و صفوف ملائکه بخدمت
آنحضرت نازل میشوند جبرئیل بخدمتش عرض میکند که ای سید
من سخنت مقبول و امرت جاریست در آنحال آنحضرت مبارکش را
بروی مبارکش میکشد میفرماید الحمد لله الذی صدقنا وعده و
اورثنا الارض نتبوء من الجنة حیث نشاء فنعم اجر العاملین
اول آیه وقالوا الحمد لله در سوره زمر این آیه باخر سوره مانده
است یعنی حمد مر خدائیرا که وعده خود صادق کرد و اینکه ما را
بر زمین وارث کرد و در هر جای بهشت که بخواهیم منزل
میکنیم پس چه خوب است جزای عمل کنندگان پس در میان
رکن و مقام میایستد باواز بلند صدا میکند میگوید
که ای جماعت نقباء و خاصان من و ای آنانکه خداوند

تعالی

تعالی ایشان را پیش از ظهور در روی زمین برای
نصرت و یاری من ذخیره گذاشته با صمیم قلب اطاعت نزد
من آئید پس صدای حضرت در شرق و غرب زمین همه ایشان
در حالتیکه بعضی در محراب عبادات و بعضی در میان رختخواب خود می
باشند میرسد در یک لحظه صدا از دن صدای او را میشنوند دعوتش
را قبول نموده و دست در میکذارند در زمانی برایشان نمیگذرد
مگر بقدر نگاه کردن چشم تا اینکه همه ایشان در میان رکن و مقام
در پیش روی او حاضر میشوند که در آنحال خداوند امر میفرماید نوری
ستونی را از زمین تا آسمان کشیده میشود و بسبب آن جمیع مومنان
در روی زمین و روشنائی اخذ میکنند نور او از آن همه مومنان
که در اندرون خانهای خودشان اند میرسد و دلهای ایشان بسبب آن
شاد میشود و ایشان نمیدانند که قائم ما اهل بیت ظهور
نموده بعد از آن صبح میکنند در حالتی که در پیش روی آنحضرت
ایستاده باشند ایشان سیصد و سیزده نفر بعدد اصحاب
رسول خدا ص پس حضرت پشت بکعبه داده دست

دراز میکند دستش مانند آفتاب روشن و نورانی
مینماید و میفرماید که این دست خدا است و از جانب
خدا است و با امر خدا است بعد از آن این آیهٔ شریفه را می
خواند اِنَّ الَّذِینَ یُبایِعُونَکَ الخ آیهٔ سی و
ششم قوله تعالی فی سورة القصص وَ نُرِیدُ اَنْ نَمُنَّ
عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اَئِمَّةً وَ
نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْاَرْضِ وَ نُرِیَ
فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ
یعنی میخواهیم که منت گذاریم بر کسانی که ضعیف شمرده شدند
و ایشان را امامان و وارثان زمین قرار بدهیم و برای
ایشان در روی زمین تمکین و قدرت بدهیم و بنمائیم از دست ایشان
بفرعون و هامان و لشکرهای ایشان عذابی را که از آن میترسیدند و حذر
میکنند و در حدیث است که مفضل عرض کرد که فرعون و هامان
کیانند فرمود ابوبکر و عمر لعنهما از مفاد این شریفه صریح
آشکار است که حضرات ائمه معصومین رجعت بدنیا خواهند
نمود و مصداق اراده خداوند که منت گذاشتن

است

است بر آنانی که کفار و مشرکین و منافقین و ناصبین
آنها را ضعیف شمرده اند و مقامات عالیهٔ ایشان را پست
کردند و بهر نحوی که امکان داشتند در زوال اعتبار و رتبهٔ
ایشان برآمده و خود ایشانرا با زهر و شمشیر با معاونت
اشرار مثل خودشان بقتل رسانیدند بظهور آیه ناچار
حضرات معصومین که مشمول مضمون این آیه کریمه هستند
بدنیا برگردند و انتقام خودشانرا از غاصبین و قاتلین و
اعانت کنندگان ایشان بکشند چنانچه کتب معتبرهٔ علمای شیعه از
اخبار رجعت محمد و آل محمد پر است و از آن جمله مفضل از حضرت
صادق ع روایت کرده در ذیل حدیث سفیانی که بعد از آنکه
حضرت قائم بر بالای سفیانی لشکر بسمت دمشق میفرستد
او را می گیرند در بالای صخره سرش را میبرند حضرت حسین
با دوازده هزار و هفتاد و دو نفر اصحاب خود که در کربلای
معلی در رکاب حضرتش بودند بدنیا رجوع میکند بعجب باید
نمود از رجعت نورانی و آشکاری این حضرت همان
آن صدیق اکبر امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب ع خروج

میکنند و خیمه در نجف الاشرف برای آن زده میشود
و چهار ستون بر آن برپا داشته میشود و بتفصیل ستونها
مراجعه نمایند بجلد سیزدهم بحار الانوار مجلسی ره گویا چراغهای
آن خیمه می بینم که مانند آفتاب و ستاره های آسمان زمین منور کرده اند
آنکه در آنوقت مصداق این آیه متحقق میشود یوم ترونها تذهل
کل مرضعة عما ارضعت تا آخر آیه در آن روز عقابهای نقمتها و
چیزهائیکه در دلها پنهانست عیان کرده میشوند تا اینکه هر چه
پنهان بود ظاهر شود و از همدیگر تمیز نایند جدا شوند که بعد ازینها سیر دهند
از شدت هول آن روز از بچه های خود غافل میشوند بعد از آن
سید اکبر رسول خدا ص با انصار و مهاجرین خود و آنانکه با او ایمان آوردند
و او را تصدیق کرده و در جهاد در خدمت او شهید شده اند ظهور
میکنند و احضار کرده میشوند آنانکه آن حضرت را تکذیب کرده
اند و آنانکه در حق او گفته اند که او ساحر و کاهن و دیوانه و از هوای
نفس سخن گوینده است و آنانکه فرمایش او را رد نموده و رد کرده اند
و آنانکه در حق او دروغ نسبت کرده اند و آنانکه با آنحضرت
محاربه و مقاتله نموده اند پس همه ایشان را احضار

میکنند برای اینکه از ایشان بحق و درستی قصاص و
انتقام گرفته شود در عوض کارهائیکه از وقت بعثت تا
زمان ظهور مهدی ع در عصر هر یکی از ائمه علیهم السلام
کرده اند جزا و پاداش داده میشوند در آنوقت این آیه و
نرید ان نمن الخ بعرصه ظهور می پیوندد توضیح چنانکه
آخرت را روز جزا مینامند همچنین دنیا را خانه مکافات میگویند
چنین نیست که تمامی جزای اعمال باخرت بماند و قرآن مجید با این
حال ناطق است قوله تع ولنذیقنهم من العذاب الادنی دون
العذاب الاکبر باز مفضل عرض کرد ای سید من آیا رسول خدا
و امیر المؤمنین با قائم ع میباشند فرمود ایشان ناچارند
بروی زمین قدم بگذارند بلی بخدا سوگند یاد میکنم هر آینه
همه دنیا را میگردند حتی پشت کوهی که بدنیا احاطه کرده
شده میروند ظاهر این است که مراد از آن کوه قاف باشد
آری بخدا سوگند یاد میکنم هر آینه ظلمات و قعر دریاها میگردند
هیچ مکانی نمی ماند خدا را مگر با نجا قدم میگذارند و دین
خدا را در آنجا برپا میدارند بعد از آن گویا ما جماعت ائمه

وانگاه میکنم خود ما را می بینیم که در پیش رسول خدا ایستاده
بآن حضرت شکایت میکنیم که بعد از وفات ما را تکذیب
نمودند و حکم ما را بر روی ما برگردانیدند و بر ما دشنام دادند
و لعنت کردند و ما را بقتل رسانیدند خلفاء جور برای نظم امورات
خود ما را از مکه و مدینه بپایتخت خود شان بردند با ستم حبس
کردند و بقتل رسانیدند در انحال رسول خدا گریه میکنند و
میفرماید که ای پسران من هیچ اذیت بشما نرسیده است مگر
اینکه مانند آن پیش از شما بجد شما رسیده است بعد از آن حضرت
فاطمه از ابوبکر و عمر شکایت میکند (از ظلمهای ایشان) در
کتب اخبار بتفصیل مذکور است و هکذا حضرات ائمه سلام الله
علیهم بنوبه شکایتهای خود را از دشمنان عهد خود شان خدمت
حضرت رسول عرض میکنند طالبان شرح تفصیل بجلد سیزدهم
بحار الانوار مجلسی ره و نور الانوار و مشکوة الانوار شیخ علی
اصغر بروجردی ره و سایر کتب غیبت رجوع فرمایند **آیه**
سی و هفتم قوله تعالی فی سورة السجده در آیه بیست و یکم
وَلَنُذِيقَنَّهُمُ الْعَذَابَ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ

الاکبر یعنی هر آینه پیش از عذاب بزرگ عذاب کوچک
را بایشان می چشانیم در تفسیر مذکور است که مراد
از عذاب ادنی عذاب رجعت است با شمشیر و معنی قول
پروردگار در آخر این آیه لعلهم یرجعون این است که
ایشان در زمان رجعت باید بدنیا برگردند تا اینکه معذب
شوند در ذیل حدیث گذشته است که مفضل عرض کرد که
ای سید من از شیعیان شما پاره هستند که برجعت شما
قائل نیستند فرمود آیا نشنیده اند قول جد ما و قول ما
ائمه که می گوئیم وَلَنُذِيقَنَّهُم الی آخر آیه آن حضرت فرمود
که عذاب نزدیک عذاب رجعت و عذاب بزرگ عذاب
قیامت است آنچنان روزی که زمین و آسمان بغیر این زمین
و آسمان تبدیل میشوند در محضر خدای یگانه و قهار
حاضر میباشند **آیه سی و هشتم** قوله تعالی
فی سورة النمل در آیه هشتاد و یکم وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ
فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ حَتَّى إِذَا

جائز قال اکذبتم بایاتی ولم تحیطوا بها علما اما
ذا کنتم تعلمون حاصل مضمون ایهٔ شریفه این است که
روزی میشود که از هر امت طایفهٔ زنده میکنیم از انانکه
ایات ما را تکذیب کردند پس دلهای ایشان مضطرب و بیقرار
میباشند وقتی که زنده میشوند میاید خدا تعالی از راه سر
زنش بایشان میفرماید که ایا تکذیب کردید حال انکه علم شما
بان احاطه نکرده بود و حقیقت انها را نشناخته بودید این چه
کار بود که میکردید حضرت صادق ع فرمود که مراد از ایات در این
ایه امیر المؤمنین و ائمه ع است حسین بن مختار از ابی بصیر روایت
کرده که باقر ع بمن فرمود که ایا اهل عراق رجعت را انکار می
کنند عرض کردم اری حضرت فرمود که ایا در قران مجید این
ایه را نخوانده اند و یوم نحشر الخ ایه را خوانده اند ایهٔ
سی و نهم قوله تعالی فی سورة ال عمران در ایهٔ صد و
پنجاه و هفتم ولئن قتلتم فی سبیل الله او متم لمغفرة
من الله و رحمة خیر مما یجمعون ولئن متم

او قتلتم لالی الله تحشرون یعنی اگر هر اینه کشته
شوید در راه خدا یا بمیرید هر اینه امرزش و رحمت
بهتر است از انچه جمع میکنند و هر اینه هرگاه بمیرید یا
کشته شوید هر اینه بسوی خدا محشور خواهید شد از جابر بن
یزید از حضرت باقر ع روایت کرده که از ان حضرت پرسیدم
معنی قول خدای عز و جل ولئن قتلتم فرمود یا جابر ایا میدانی
که مراد از سبیل الله چیست عرض کردم که بخدا سوگند یاد میکنم
هر اینه من نمیدانم مگر در وقتی که از تو بشنوم فرمود که مراد از
سبیل الله علی ع و ذریهٔ اوست پس هر که در ولایت ان حضرت کشته
شود در معنی این است که در راه خدا کشته شده و احدی نیست
که باین ایه ایمان اورده و انرا تصدیق نموده باشد مگر
اینکه برای او کشته شدنی و مردنی نیست پس هر که کشته گردد در
روز رجعت رجوع میکند تا اینکه بمیرد و هر که بمیرد در ان روز
زنده میشود تا اینکه کشته شود و مردنی هست پس هر که
کشته گردد در مجلسی دیگر میفرماید گمان چنین است که اخر
حدیث برای اخر ایه تفسیر باشد و اخر ایه این است

وَلَئِنْ مُتُّمْ اَوْ قُتِلْتُمْ لَاِلَی اللّٰهِ تُحْشَرُونَ یعنی که
بمیرید یا کشته شوید هر آینه بسوی خدا محشور میشوید
بتقریبی اینکه مراد از حشر رجعت باشد آیه
چهلم قوله تعالی فی سورة آل عمران در آیه هشتاد و اِذْ
اَخَذَ اللّٰهُ مِیثَاقَ النَّبِیِّینَ لَمَا آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتَابٍ وَحِکْمَةٍ ثُمَّ
جَاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ
لَتَنْصُرُنَّهُ یعنی در وقتیکه خدا یتعالی از انبیاء عهد و
پیمان گرفت در وقتی که بشما کتاب شریعت را تصدیق
کننده است باو ایمان بیاورید و باو یاری میکنید عاصم
بن حمید از حضرت باقر ع روایت نموده که حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود بدرستی که خدا یتعالی احد است یعنی غیر مرکب و واحد
یعنی بی نظیر و بی شریک در وحدانیت خود متفرد و تنها
بعد از آن کلمه فرمود آن کلمه گردید نوری شد بعد از آن
آن نور محمد ص را و مرا و اولاد مرا آفرید بعد از آن کلمه
فرمود آن کلمه گردید روحی شد این روح را گردانید در
در آن نور قرار داد بعد از آن روح را با آن نور در

بدنهای

بدنهای ما گذاشت پس بنابراین ما روح خدا و
کلمه او ئیم و بواما حجت خود را بر مخلوقات خود تمام نمود
پس بعد از آنکه آفریده شدیم در میان سایه سبزی بودیم
یا در میان ابر سبزی بودیم در وقتی که نه آفتاب بود و نه ماه
و نه شب بود و نه روز و نه چشمی بود که نگاه کند در آنجا بخدا
بندگی و تقدیس و تسبیح میکردیم و این پیش از آن بود که خدای
تعالی مخلوقات را خلق کند و خداوند گرفت از انبیا عهد
و میثاق گرفت که بما ایمان آورند و یاری کنند این است معنی
قول خدا یتعالی وَاِذْ اَخَذَ اللّٰهُ الی آخر آیه بعد از آن امیر المؤمنین
علیه السلام فرمود که یعنی بمحمد ص ایمان بیاورید و بوصی او
یاری میکنید و بعد از این همه پیغمبران باو یاری خواهند کرد
خدا یتعالی از من و محمد ص عهد و پیمان گرفت که بیکدیگر
نصرت بکنیم من بعهد خویش وفا نمودم و بمحمد ص یاری کردم در
پیش روی او جهاد نمودم و دشمنانش را بقتل رسانیدم و بعهد و
پیمان خویش وفا کردم و خدا یتعالی ایشان را از دار الفنا بدار
البقاء برده و بعد از این مرا نصرت و یاری خواهند کرد و

مابین مشرق و مغرب برای من خواهد بود و هر اینه
خدا تعالی همه پیغمبران را از آدم تا محمد زنده میکرداند همه
پیغمبران مرسل در پیش روی من شمشیر بسر مردکان و زندکان
منافقان و کافران از انس و جن میزنند پس این امر عجیب است
و چکونه تعجب ننمائیم از مردکان که خدا تعالی ایشانرا زنده می
کرداند طایفه طایفه لبیک لبیک یا داعی الله کویان داخل
کوچه های کوفه میشوند در حالتی که شمشیرها را از غلاف کشیده
بدوشهای خود میکیرند برای اینکه با آنها بسرهای کافران و جباران
و تابعان ایشان از اولین و آخرین بزنند تا اینکه خداوند تعالی بجای
آورد وعده را که درباره ایشان نموده و چنانکه فرموده آیه
چهل و یکم قوله تعالی فی سورة النور در آیه پنجاه و پنج
وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ
لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ
مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي
شَيْئًا یعنی خدا تعالی وعده و عهد نموده با آنانکه ایمان

آورده و عمل صالح کرده اند که ایشانرا خلفاء روی زمین کرداند
چنانکه آنانرا که پیشتر از ایشان بودند خلفاء روی زمین نموده
و با ایشان در خصوص دینی که برای ایشان برکزیده تمکین بدهد و
خوف ایشانرا با منیت مبدل نماید تا با طمینان و خاطر جمع عبادت
نمایند و هیچ چیز برای من شریک قرار ندهند بعد آن امیر المؤمنین
فرمود که معنی آخر آیه این است که تا اینکه با طمینان و خاطر جمع عبادت
کنند و از احدی از بندگان من نترسند و تقیه ننمایند بعد از این
فقرات بلاغت آئین را ادا فرمودند اِنَّ لِيَ الْكَرَّةَ بَعْدَ الْكَرَّةِ
وَالرَّجْعَةَ بَعْدَ الرَّجْعَةِ وَأَنَا صَاحِبُ الرَّجَعَاتِ وَالْكَرَّاتِ وَصَاحِبُ
الصَّوْلَاتِ وَالنَّقِمَاتِ وَالدَّوْلَاتِ الْعَجِيبَاتِ وَأَنَا قَرْنٌ مِنْ حَدِيدٍ
وَأَنَا أَخُو رَسُولِ اللهِ وَأَنَا أَمِينُ اللهِ وَخَازِنُهُ وَعَيْبَةُ سِرِّهِ وَ
حِجَابُهُ وَوَجْهُهُ وَصِرَاطُهُ وَمِيزَانُهُ وَأَنَا الْحَاشِرُ إِلَى اللهِ وَأَنَا
كَلِمَةُ اللهِ الَّتِي يَجْمَعُ بِهَا الْمُفْتَرِقَ وَيُفَرِّقُ بِهَا الْمُجْتَمِعَ وَأَنَا أَسْمَاءُ
اللهِ الْحُسْنَى وَأَمْثَالُهُ الْعُلْيَا وَآيَاتُهُ الْكُبْرَى وَأَنَا صَاحِبُ
الْجَنَّةِ وَالنَّارِ أُسْكِنُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلَ النَّارِ
النَّارَ وَإِلَيَّ تَزْوِيجُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِلَيَّ عَذَابُ أَهْلِ النَّارِ

عمل بابن ابراهیم نفس خود کفته اند از آنهائیکه خدا ... در آنها با ائمه و عدو رجعت و نصرت و موده ایشان ابراهیم است فعل اللعن

والی ایاب الخلق جمیعا وانا المآب الذی یؤب الیه
کل شیء بعد القضاء والی حساب الخلق جمیعا وانا صاحب
الجنان انا المؤذن علی الاعراف وانا بارز الشمس وانا دابة
الارض وانا خازن الجنان وصاحب الاعراف وانا امیر المؤمنین و
یعسوب المتقین و آیة السابقین و لسان الناطقین وخاتم
الوصیین ووارث النبیین وخلیفة رب العالمین و
صراط ربی المستقیم و قسطاسه والحجة علی اهل السموات و
الارضین وما فیهما وما بینهما وانا الذی احتج الله به علیکم
فی ابتداء خلقکم وانا الشاهد یوم الدین وانا الذی
علمت علم المنایا والبلایا والقضایا وفصل الخطاب والانساب
واستحفظت آیات النبیین المستخفین والمستحفظین وانا
صاحب العصا والمیسم وانا الذی سخرت لی السحاب والرعد
والبرق والظلم والانوار والریاح والجبال والبحار والنجوم و
الشمس والقمر وانا القرن الحدید وانا فاروق الامة وانا
الهادی انا الذی احصیت کل شیء عددا بعلم الله الذی
اودعنیه وبسره الذی اسره الی محمد واسره النبی

الیّ و انا الذی انحلنی ربی اسمه و کلمته و حکمته
و علمه و فهمه یا معشر الناس سلونی قبل ان تفقدونی و
اللهم انی اشهدک و استعدیک علیهم و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم و الحمد لله متبعین امره
خطبه شما کرجمه بتکیف روایت استشهاد بر مقصد تیمنا
و تبرکا درج گردید مترجم اش در سیزدهم بحار یا پاره اشارات
و نسبت تمام قوم است آیه چهل و دوم
قوله تعالی فی سورة النحل در آیه سی و هشتم واقسموا بالله جهد ایمانهم
لا یبعث الله من یموت بلی وعدا علیه حقا ولکن اکثر
الناس لا یعلمون تا قول حق سبحانه کاذبین) یعنی کافران
با جهد یمین بخدا سوگند یاد کردند که هر اینه مردگان را زنده
نخواهد کرد خداوند بمقام تکذیب ایشان آمده میفرماید بلی
زنده خواهد کرد این وعده ایست که بر خدا بمقتضای حکمت خود
لازم است تا ظاهر گرداند و پاداش نماید تا اینکه مطیع ثواب و
عاصی عقاب یابد لکن بیشتر مخالفین بسبب انکار خدا و
نبوت تا قیامت بعثت امیر معتقد نیستند یا اینکه جهت

حکمت را در این زنده گردانیدن نمی فهمند از آن جهت باین
معتقد نمی شوند پس خدای تعالی مردم کافر را زنده میگرداند
تا اینکه حق را در خصوص آن چیزی که منکران و کافران در
آن اختلاف میکنند برای ایشان ظاهر گرداند تا اینکه بدانند
که در انکار این مدعا دروغگویانند پس گفته امیر المؤمنین ع که
منم از همه خلایق بمضمون این آیه نزدیکتر از این راه است که تاویل
این آیه در رجعت است و در صحت رجعتهای چند هم امیر المؤمنین است
چنانکه صالح بن میثم روایت میکند که از باقر ع معنی قول خدای
عز و جل را وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا
پرسیدم آنحضرت در جوابم فرمود که ظهور و تحقق این آیه در وقتی
است که علی ع میفرماید که منم اولی از همه خلایق بمضمون این آیه و
اَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ الخ ابن مسکان از حضرت صادق ع
روایت کرده که آنحضرت فرمود که خداوند تعالی از زمان آدم تا
آخر زمان پیغمبری مبعوث نکرده مگر اینکه بدنیا بر میگردد و بامیر
المؤمنین یاری خواهد کرد

آیه چهل و سیم ۴۳

قوله تعالی فی سورة النساء در آیه یکصد و پنجاه و هشت وَاِنْ

مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ اِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ
يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا یعنی از اهل کتاب کسی نیست مگر اینکه
ایمان آورد باو پیش از روز قیامت و در روز قیامت بر ایشان
شاهد می باشد علی بن ابراهیم در تفسیرش آورده که هیچ کس از اهل
کتاب نیست مگر اینکه به پیغمبر خدا پیش از وفاتش ایمان آورد و از
حضرت از شهر بن حوشب روایت کرده که او گفته که حجاج بن
یوسف لع بمن گفت یک آیه در کتاب خدا هست که تصدیق آن
مرا عاجز کرده گفتم ای امیر آن کدام آیه است گفت قول خدای
تعالی وَاِنْ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ الخ بعد از آن حجاج گفت بخدا
سوگند یاد میکنم که من هر اینه بارها امر کرده ام تا گردن یهود و
نصاری را زده اند و با چشم باو نگاه کرده ام او را چنان
ندیده ام که لبهایش بجنباند یعنی کلمه طیبه بگوید و
اسلام آورد تا اینکه وفات کرده پس چگونه صادق میشود
اینکه همه اهل کتاب پیش از وفات بآنحضرت ایمان خواهند
آورد در جوابش گفتم که خدا کارها را باصلاح آورد ای امیر این آیه بآن
طریق نیست که تو تاویل کرده گفت پس چگونه است گفتم

که حضرت عیسی ع پیش از قیام قیامت بدنیا فرود میآید
واحدی از اهل مذهب یهودی و غیر آن باقی نمی ماند مگر
اینکه پیش از مرگ بلو ایمان میاورد و خود آنحضرت در پشت
سر مهدی ع نماز میکند و در آن حال حجاج گفت خبر باد ترا
این تاویل را از کجا دانستی و از کجا آوردی گفتم محمد بن علی
بن الحسین ع بمن خبر داد گفت که بخدا سوگند یاد میکنم امر این
این حدیث را از چشمه صافی اخذ کرده **آیه چهل و**
چهارم قوله تعالی فی سورة یونس در آیه سی و نهم بل
کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه ولما یاتهم تاویله کذلک
کذب الذین من قبلهم یعنی بلکه تکذیب نمودند چیزی را
که بعلم آن احاطه نکرده اند هنوز تاویلات آن بایشان نرسیده
یعنی مصداق آن هنوز برای ایشان ظاهر و محقق نگشته است
بدین نهج تکذیب نمودند یعنی گفتند که آن هرگز واقع نخواهد
شد آنانکه پیش از ایشان بودند علی بن ابراهیم در تفسیر خود میگوید که
این آیه در خصوص رجعت نازل شده **آیه چهل و**
پنجم قوله تعالی ایضا فی سورة یونس بعد از آیه مذکوره آیه

ومنهم من یؤمن به ومنهم من لا یؤمن به وربک اعلم
بالمفسدین یعنی از آنان پاره وقوع رجعت را تصدیق
میکنند پاره دیگر انکار کرده اند و پروردگار تو داناتر است
بفسادکنندگان یعنی میداند که مفسدان کیانند **آیه**
چهل و ششم قوله تعالی فی سورة الانبیاء در آیه نود و پنجم
وحرام علی قریة اهلکناها انهم لا یرجعون یعنی بر اهل
قریه که ما ایشان را در دنیا با عذاب هلاک کرده ایم حرام
است اینکه در روز رجعت بدنیا رجوع نمایند از ابن عمیر او از ابن
سنان و از ابی بصیر و محمد بن مسلم ایشان از حضرت صادق و باقر ع
روایت کرده اند که آنحضرت بزرگوار فرمودند که هر قریه که خداتعالی
اهل آنرا با عذاب هلاک کرده در زمان رجعت رجوع نخواهند کرد
بیان این آیه دلیل واضح و برهان لایح است بر وقوع رجعت
زیرا که احدی از اهل اسلام انکار نمیکنند که همه خلایق در روز
قیامت مجددا رجوع میکنند خواه آنانکه در دنیا با عذاب بدون
الهی هلاک شده اند و خواه آنانکه با عذاب هلاک نشده اند پس
مضمون آیه در غیر روز قیامت باشد آن نیست مگر زمان رجعت

لیس مراد از قول خدا تعالی لا یرجعون زمان رجعت است
یعنی آنانکه با عذاب هلاک شده اند در زمان رجعت
رجوع نخواهند کرد واما در قیامت پس باید رجوع بکنند
زنده شوند تا اینکه داخل دوزخ باشند **آیه چهل
و هفتم** قوله تعالی فی سورة النمل در آیه هشتاد و سیم
وَاِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیْهِمْ اَخْرَجْنا لَهُمْ دآبَّةً مِنَ الْاَرْضِ
تُکَلِّمُهُمْ اَنَّ النّاسَ کانوا بِآیاتِنا لا یُوقِنُونَ یعنی وقتیکه قول
بر خلایق واقع میکردد بیرون میاوریم در زمین دابه را که با ایشان
سخن میگوید بدستی که خلایق آیات ما را تصدیق نمی کنند
با نها یقین ندارند در ذیل حدیثی یکی از معصومین فرموده که
حضرت رسول صلعم فرمود یا علی وقتیکه آخر زمان رسید خدا تعالی
ترا با بهترین صورتها بدنیا بیرون میاورد و دهد خالق با تو
مهر میشد مبارکه دشمنانت را با آن نشان میزنی در آنوقت مردی
بخدمت آنحضرت یعنی امام عرض کرد که اهل سنت میگویند
که چگونه میشود اینکه دابه با خلایق سخن گوید این آیه شیعه را
با این گونه سخنان واداشته آن حضرت بغضب نفرین

فرمود که خدا تعالی با ایشان در آتش جهنم سخن بگوید
این است جزا این نیست این دابه با این سخن گفتن که در دنیا
خلایق متعارف است سخن میگوید وابی بصیر از صادق ع
روایت کرده که آنحضرت فرمود که رسول خدا صلعم بمسجد آمد دید که
امیرالمؤمنین ع را دید که قدری ریک جمع کرده سرش را بر بالای آن
گذاشته خوابیده پس رسول خدا صلعم آنحضرت را با پای مبارکش جنبانید
بعد از آن فرمود که ای دابه برخیز و در بعضی نسخه ها چنین است که
دابة الله برخیز چون آنحضرت این سخن را فرمود مردی از اصحابش
عرض کرد که یا رسول الله آیا ما خصیم که یکی یکدیگر را با این نام
بنامیم فرمود نه بخدا سوگند یاد میکنم همراهیه این لقب
مختص و منحصر است باو واوست آن دابه که خدا تعالی در کتاب
خود ذکر نموده حضرت آیه را تلاوت فرمود واذا وقع القول الخ و
دلیل بر اینکه این آیه در خصوص رجعت است حدیثی است که
حضرت صادق ع فرموده که مردی بعمار بن یاسر گفت که یا ابا الیقظان
آیه در کتاب خدا دلم را مغشوش و فاسد کردانیده و شکی در
دلم انداخته عمار گفت که آن کدام است گفت این است

وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ الخ این دابه که با خلایق سخن گوید کدام
است عمار گفت بخدا سوگند یاد میکنم که این نمی نشینم و
نمی خورم و نمی آشامم تا وقتی که آن دابه را بتو بنمایانم پس
عمار با امرد بخدمت امیر المؤمنین ع آمد که آن حضرت خرما
دکره میخورد فرمود یا ابا یقظان بیا عمار نشست با آن حضرت
مشغول خوردن شد چون امرد نشستن و خوردن او را
دید از او تعجب نمود زیرا که بخیالش رسید که عمار سوگند یاد
کرد که نه نشیند و نخورد و نیاشامد تا وقتی که دابه را بمن نشان
بدهد و حال آنکه نشست و خورد و دابه را بمن نشان نداد چون
عمار از جایش برخواست امرد از راه تعجب گفت سبحان الله یا
ابا یقظان تو سوگند یاد کردی که نخوری و نیاشامی و نه نشینی تا
وقتیکه دابه را بمن بنمائی عمار گفت اگر تعقل و تأمل داشته
باشی او را بتو نمودم یعنی مراد از دابه امیر المؤمنین ع است و او را
هم بتو نمودم و نشان دادم **آیه چهل و هشتم**
قوله تعالی فی سورة النمل در آخر آیه از سوره مزبوره وَقُلِ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ

عَمَّا تَعْمَلُونَ یعنی و بگو ستایش مر خدای را که بعد از این می
نمایاند بشما آیات خود را پس شما آن وقت آنها را می شناسید
یعنی امیر المؤمنین و سایر ائمه علیهم السلام چون بدنیا رجوع
میکنند دشمنانشان وقتیکه ایشان را می بینند می شناسند
بیان دلیل بر اینکه مراد از آیات ائمه ع است قول امیر المؤمنین ع
است که فرمود خدا را آیتی بزرگتر از من نیست **آیه**
چهل و نهم قوله تعالی فی سورة الحج در آیه سی نهم اُذِنَ لِلَّذِينَ
يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ
أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ یعنی اذن داده میشود بآنان که
قتال می کنند در مقابل اینکه مظلوم شده اند و خدا تعالی بر
نصرت ایشان قادر است ایشان آنانند که از دیار و وطنهای
خودشان بناحق بیرون کرده شدند و بحسین بن علی ع با آنچه
بنی اسرائیل که دشمنانشان بر ایشان غلبه نمود مثلی زده شد
چنانکه حسین ع بمنهال بن عمرو فرمود که مثل ما در میان قوم خود
مثل بنی اسرائیل است در میان آل فرعون که قوم ما پسران ما
را بقتل خواهند رسانید و زنان ما را باقی خواهند گذاشت

یعنی نخواهند گشت آیهٔ پنجاهم قوله تعالی
در سورهٔ قصص در آیهٔ هشتادم إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ
الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ یعنی بدرستی خدائیکه فرض
کرده است بر تو قرآن ظاهر را البته گرداننده است ترا بمعاد یعنی
در زمان رجعت در روایتست که حضرت باقر ع فرمود
گمان نمی کنم پیغمبر شما را مگر اینکه بر شما ها طلوع میکند طلوع
کردنی یعنی زنده شده بسوی شما خواهد برگشت و از حضرت صادق
علیه السلام پرسیدند که قول خدا تعالی إِنَّ الَّذِي فَرَضَ
الخ آن حضرت فرمود نه چنین است بخدا سوگند یاد میکنم هر اینه
دنیا باخر نمیرسد تا وقتی که رسول خدا و علی ع از ثویه با هم جمع
نشوند پس در انجا آبیاری می کنند و مسجدی بنا مینمایند که عظمت
ان در سیزده قسم نجا نه کرد و ثویه نام جائی است در کوفه که
انجاست قبر ابی موسی اشعری و قبر مغیرة بن شعبه آیهٔ
پنجاه و یکم قوله تعالی فی سورة الصافات در آیهٔ ۱۷۷
فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ یعنی وقتیکه
نازل بشود بساحت ایشان پس بد میشود صباح انذار شدگان

در حدیث است که آیهٔ کریمه در خصوص بنی امیه و تابعان
ایشان نازل شده که در آخر زمان حال ایشان تباه میشود
آیهٔ پنجاه و دویم قوله تعالی فی سورة
المؤمن در آیهٔ یازدهم رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا
اثْنَتَيْنِ تا قول خدا تعالی فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ
خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ یعنی ای پروردگار ما ما را دو بار میرانیدی
دو بار زنده کردانیدی) در روایتست که حضرت صادق ع
فرمود که این آیه در خصوص رجعت است باین معنی که یکی این
دو زنده کردانیدن در زمان رجعت و دیگری در روز قیامت
است یکی از این دو مردن در دنیاست و دیگری در زمان رجعت
آیهٔ پنجاه و سیم قوله تعالی فی سورة المؤمن مراد
الغافر باصطلاح اهل سنت در آخر سوره فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا
قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمْ
يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي
قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ یعنی
پس نفع ما نکرد دیدند شدت ما را میگویند که تنها بخدا

سورهٔ الغافر باصطلاح دیگر

ایمان آوردیم وانکار کردیم آنان را که بخدا شریک قرار
میدادیم پس نبوده است منفعت بخشد بایشان ایمان ایشان
زمانیکه دیدند شدت عذاب ما را این است سنت ودأب خدا که
در خصوص بندگانش گذشته وجاری شده وزیان کار شده
اند در این مقام کافرها) در حدیث وارد شده که آیه شریفه
در خصوص رجعت است که قوله تعالی لما رأوا بأسنا یعنی در
روز رجعت **آیه پنجاه و چهارم** قوله تعالی فی
سوره ق در آیه چهل چهارم یوم تشقق الارض عنهم سراعا
یعنی زمین از مردگان روز رجعت شکافته میشود در حالتی که ایشان
با سرعت بر میخیزند) علی بن ابراهیم در تفسیر خود گفته که این آیه در
خصوص رجعت است **آیه پنجاه و پنجم** قوله تعالی فی سوره
مریم در آیه هفتاد و هفتم حتی اذا رأوا ما یوعدون یعنی تا
وقتیکه ببینند چیزی را که بایشان وعده داده شده است در
همین تفسیر فرموده که مراد از آنچه بایشان وعده داده شده
امیر المؤمنین ع است در روز رجعت **آیه پنجاه و**
ششم قوله تعالی فی سوره الطارق در آیه ۱۵ انهم

یکیدون کیدا واکید کیدا فمهل الکافرین امهلهم
رویدا یعنی بدرستیکه کافران حیله میکنند حیله
کردنی پس بکافران مهلتی ده مهلت دادنی (از امام
پرسیدند از معنی انهم یکیدون کیدا فرمود که کافران
ومنافقان درباره رسول خدا وامیر المؤمنین ع وفاطمه ع حیله
وتدبیر نمودند پس خدا تعالی فرمود که یا محمد انهم یکیدون
الخ مجلسی ره بعد از امهلهم رویدا در سیرت هم بجا در گفته است
زیرا که اگر قائم قیام نماید برای من از ستمکاران وطغیان
کنندگان قریش وبنی امیه وسایر خلایق انتقام میگیرد
آیه پنجاه وهفتم قوله تعالی فی سوره والضحی وللآخرة
خیر لک من الاولی یعنی هر آینه آخرت برای تو بهتر است
از دنیا در روایت است که آنحضرت فرموده که معنی این آیه است
که یا محمد زمان رجعت بهتر است برای تو از این زمان دعوی عرض
کرد که مراد از قول خدا تعالی ولسوف یعطیک ربک فترضی
چیست فرمود این است که یا محمد پروردگار تو آنقدر بتو عطا
میکند که راضی وخوشنود میشوی از ابی الجارود وارد

کسی روایت می کند که از علی ع شنیدم که میفرمود العجب ثم
العجب بین جمادی و رجب در الحال مردی برخاست و گفت یا
امیر المؤمنین چیست این امر عجیب که پیاپی از ان تعجب میکنی
فرمود که ثکلتک امک یعنی که مادرت بعزای تو ماتم بگیرد
کدام امر عجیب است که عجب تر باشد از مردگانی که زنده می شوند
و همه دشمنان خدا و رسول و اهل بیت او را میزنند

آیه پنجاه و هشتم قوله تعالی فی سورة المدثر

آیه سی ام انها لاحدی الکبر نذیرا للبشر یعنی بدرستیکه
ان هر اینه یکی از بزرگهاست ترساننده مر بشر را حضرت باقر ع
فرمود یعنی محمد ص ترساننده خلایق است در روز رجعت

آیه پنجاه و نهم قوله تعالی فی سورة المؤمن در آیه ۵۰

انا لننصر رسلنا والذین آمنوا فی الحیوة الدنیا و یوم
یقوم الاشهاد یوم لا ینفع الظالمین معذرتهم و
لهم اللعنة ولهم سوء الدار یعنی بدرستیکه ما
هر اینه یاری میکنیم پیغمبران فرستاده شدگان خودمان و آنان
که ایمان آورده اند در زندگانی دنیا و در روزی

که شاهدان بر میخیزند روزیکه نفع نمیدهد ستمکاران را
عذر آوردن ایشان و بر ایشان است لعنت دائمی صادق
علیه السلام فرمودند که بخدا سوگند یاری میکنیم هر اینه
مضمون این آیه در زمان رجعت بعرصه ظهور خواهد آمد یا
ندانسته که پیغمبران خدا بسیاراند و در دنیا هرگز خلایق
با ایشان یاری نکردند و کشته شدند و امامان و پیشوایان
کشته گردیدند و یاری کرده نشدند پس یاری کردن خدا
با ایشان در زمان رجعت خواهد بود **آیه شصتم**
قوله تعالی فی سورة ق در آیه ۴۱ واستمع یوم ینادی
المنادی من مکان قریب یوم یسمعون الصیحة
بالحق ذلک یوم الخروج یعنی و گوش بده روزیکه ندا
کننده ندا میکند ندا کننده از جایگاه نزدیک آن روزیست
که میشنوند خلایق صیحه را که حق است و این است روز خروج
جمیل بن دراج از حضرت صادق ع پرسید که این آیه در خصوص چه
امر است فرمود در خصوص رجعت است **آیه شصت
و یکم** قوله تعالی فی سورة الاسری یعنی سبحان در آیه ۷۲

مَن كانَ فی هذهِ اعمی فهو فی الآخرةِ اعمی و اضلُّ
سبیلاً یعنی هر که در این زمان کور باشد هر اینه در آخرت
کور خواهد شد مجلسی ره در سیزدهم بحار میفرماید یعنی در زمان
رجعت کور و گمراه خواهد شد آیهٔ شصت و دوم
قوله تعالی فی سورة اسرا یعنی بنی اسرائیل در آیه ۶ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ
الكَرَّةَ عَلَیْهِمْ وَاَمْدَدْنَاكُمْ بِاَمْوَالٍ وَبَنِینَ وَجَعَلْنَاكُمْ اَكْثَرَ
نَفِیرًا یعنی بعد از این بر گردانیدیم برای شما برگشتن و غلبه
خروج کردن بر ایشان مدد کردیم شما را با اموال و اولاد و گردانیدیم
شما را بیشتر از ایشان نمودیم از جهت جمعیت فارعة بن موسی روایت
کرده او گفته که صادق آل محمد ع فرمود که اول کسانی که بدنیا رجوع
میکنند حسین بن علی علیهما السلام و اصحاب او و یزید بن معویه
و اصحاب اویند پس آنحضرت در عوض کرده های ایشان مطابق
النعل بالنعل ایشان را بقتل میرساند پس آنحضرت این آیه را تلاوه
فرمود ثم رددنا الخ آیهٔ شصت و سیم قوله تعالی فی
سورة القصص در آیه شصت یکم اَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا
فَهُوَ لَاقِیهِ یعنی آیا پس کسیکه با و وعده خوب دادیم پس

هر اینه او بآن وعده خواهد رسید حضرت صادق ع برادر
که محمد بن علی است فرمود کسیکه خدا یتعالی باو وعده خوب
داده علی بن ابیطالب ع است خداوند کار باو وعده فرموده
که در دنیا از دشمنانش برای او انتقام کشد و در آخرت
برای او و دوستانش بهشت عطا فرموده آیهٔ شصت و
چهارم قوله تعالی فی سورة الفجر در آیه ۲۲ وَجَاءَ
رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا یعنی آمد امر پروردگار
تو و ملائکه صف بصف میایند مجلسی ره فرموده که امر
پروردگار تو یعنی قائم بر خدا رو تاویل این آیه ظاهر و
اشکار خواهد شد آیهٔ شصت و پنجم قوله تعالی
فی سورة الزخرف در آیه بیست و هشتم وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً
فِی عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ یعنی خدا یتعالی کلمه لا اله
الا الله را باقی نمودن حضرت ابراهیم ع از نسبها گردانید
کلمه قرار داد که در میان نسل و ذریه او که ائمه ع باشد تا
روز قیامت باقی است امید است که ایشان رجوع نمایند
یعنی ائمه ع در زمان رجعت بدنیا رجوع مینمایند بسا

برای توضیح مطلب در قیامت رجوع ممکن نیست پس
این رجوع باید پیش از قیامت باشد و آن هم زمان رجعت
است آیهٔ شصت و ششم قوله تعالی در
سورة السجدة در آخر سوره اولم یروا الی الارض الجرز فنخرج به
زرعا تأکل منه انعامهم وانفسهم افلا یبصرون و
یقولون متی هذا الفتح ان کنتم صادقین قل یوم
الفتح لا ینفع الذین کفروا ایمانهم ولا هم ینظرون
فاعرض عنهم وانتظر انهم منتظرون یعنی آیا ندیدند
که ما آب بسوی زمین مرده میرانیم و بسبب آن زراعتی از
زمین بیرون میاوریم که چهارپایان و خود ایشان از آن میخورند
آیا این نعمت ما را نمی بینند و نمی فهمند و میگویند که این
فتح کی خواهد شد اگر شما راستگویان باشید بگو یا محمد که در
روز فتح با آنانکه کافر شده اند ایمان فایده نمی بخشد و با ایشان
یاری کرده نمیشود پس از ایشان رو بگردان و منتظر باش به
درستی که ایشان منتظرند پس قائم علیه السلام از روز خروجش
تا روز وفاتش از سیصد سال بیشتر و از سیصد و ده سال کمتر در

انا نسوق الماء

دنیا

دنیا سلطنت میکند و در کتاب کافی خبر صحیحی هست که حسن
بن شاذان واسطی گفت میگوید که بخدمت حضرت رضا علیه السلام
مکتوبی نوشتم و در آن از جفا و ناسازگاری اهل واسط و از
تعدی ایشان در بارهٔ من شکایت کردم ایشان جماعتی بودند از
طایفهٔ عثمانیه که بمن اذیت و آزار می کردند حضرت بخط خود
جواب نوشت که خدا تعالی از دوستان ما عهد و پیمان گرفته که در
ایام دولت باطل صبر نمایند پس بحکم پروردگارت صبر کن تا آنکه آقای
خلایق قیام نماید هر آینه ایشان گویند آیهٔ شصت و
هفتم در سورهٔ یس یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما
وعد الرحمن وصدق المرسلون یعنی ای وای بر ما چه کس ما را
از خوابگاه خویش برانگیخت و بیدار کرد در آن حال خدا تعالی میفرماید
که خوابیده نبودید بلکه مرده بودید حالا زنده شدید این
چیزیست که خدا تعالی وعده نموده و پیغمبران راست گفته اند
آیهٔ شصت و هشتم قوله تعالی فی سورة الشعراء در آیه ۴
ان نشأ ننزل علیهم من السماء آیة فظلت اعناقهم
لها خاضعین یعنی اگر بخواهیم آیتی از آسمان بر ایشان

نازل میکردانیم پس کردنهای ایشان در پیش آن ذلیل و
پست میشوند ابن عباس گفته که این آیه در شأن ما و بنی
امیه نازل شده ما را بر ایشان دولتی و سلطنتی است پس
گردنهای ایشان بعد از آنکه سرکش و گردنکش بودند برای
ما ذلیل و پست میشوند ابی بصیر میگوید از حضرت باقر ع از
معنی قول خدای تعالی وان نشأ ننزل الخ پرسیدم فرمود که گردن
های بنی امیه پیش آن آیت پست میشوند و این آیت در وقت زوال
آفتاب یعنی وقت ظهر میشود و آن عبارتست از علی بن ابیطالب ع
که در وقت ظهر در بالای سر خلایق نمایان میشود و حسنی و مبارکش
دیده میشود بطرزی که خلایق حسب و نسب آنحضرت را میشناسند
بعد از آن فرمود که اما باشید که بنی امیه در آن چنان می باشند که
اگر مردی از ایشان در پشت درخت پنهان شود آن درخت گوید
این مرد از بنی امیه است او را بقتل برسانند آیه شصت
و نهم قوله تعالی فی سورة المعارج در آیه ع ع خاشعة
ابصارهم ترهقهم ذلة ذلک الیوم الذی کانوا
یوعدون یعنی بعد خالق که چشمهای ایشان بخشوع فرو تف

کننده

کننده است بطرزیکه ایشان را ذلت و خواری فرا میگیرد
این روز روزیست که بایشان وعده داده شده است
میسر نام شخصی از حضرت باقر ع سؤال کرده در خصوص این
آیه فرموده که در خصوص خروج قائم ع است آیه
هفتاد ع قوله تعالی فی سورة التکاثر کلا سوف
تعلمون ثم کلا سوف تعلمون یعنی چنین نیست خواهید
دانست بعد از آن خواهید دانست عبد الله بن نجیح گفته که آیه
را بخدمت حضرت صادق ع عرض کردم آنحضرت فرمود یعنی
ایشان یکبار در روز رجعت و بار دیگر در روز قیامة
خواهند دانست که اعتقاد شان در خصوص مذهب و ملت
باطل بوده است آیه هفتاد و یکم قوله تعالی
فی سورة الشمس فدمدم علیهم ربهم بذنبهم
فسویها ولا یخاف عقبیها یعنی پروردگار شان ایشان را
در عوض گناهانشان هلاک و مستأصل کرد پس این
گونه هلاک را که همه را فرا گرفت بایشان دچار نمود و نمی
ترسد از عاقبت نافرمانی از حضرت صادق ع فضل بن عباس

روایت نموده که آن حضرت فرموده که مضمون این آیه
در زمان رجعت بعرصهٔ ظهور خواهد رسید و فرمود این
مثل این بلیه در وقتی که بدنیا رجوع نمی ترسد باز از
معصیت و نافرمانی نمی پرهیزد **آیهٔ هفتاد**
دوم قوله تعالی فی سورة ن والقلم در آیهٔ ۱۶
سنسمه علی الخرطوم یعنی داغ خواهیم زد بر دماغش
و حزاست که این در زمان رجعت خواهد شد وقتی که
امیر المؤمنین ع و دشمنانش بدنیا رجوع می کنند ایشان را
با میسمی که با اوست داغ می کند چنانکه بهایم از لب و
دهان داغ کرده میشوند **آیهٔ هفتاد و سیم**
قوله تعالی فی سورة عم یوم ینفخ فی الصور فتأتون
افواجا یعنی روزی میشود که در صور دمیده می شود
پس می آیید فوج فوج یعنی قومی بعد از قومی بدنیا بر می
گردند احمد بن عقبه از پدرش و او از حضرت صادق ع
روایت نموده که از آن حضرت از رجعت پرسیده شد که آیا آن
حق است فرمود آری گفته شد که کیست اول کسیکه خروج

میکند

میکند فرمود امام حسین ع است که از پی قائم ع خروج
میکند عرض کردم آیا همه خلایق با آن حضرت میباشند
فرمود نه بلکه بطوری میباشند که خدا تعالی در کتاب
خود ذکر نموده است را تلاوت فرمودند یوم ینفخ الخ
آیهٔ هفتاد و چهارم قوله تعالی فی سورهٔ مریم
در آیه ۵۴ واذکر فی الکتاب اسمعیل انه کان
صادق الوعد وکان رسولا نبیا یعنی یا محمد ص ذکر کن
در قرآن اسماعیل را بدرستی که وعدهٔ او صادق بود و از
جانب خدا فرستاده و خبر دهنده بود برید عجلی گفته که بخدمت
صادق ع عرض کردم یا ابن رسول الله آیا این اسماعیل که در قرآن
ذکر شده اسماعیل پسر ابراهیم ع است چنانکه فرقه مخالفان
چنین گمان دارند فرمود نه چنین است که گمان کرده اند زیرا
که اسماعیل پیش از وفات ابراهیم وفات نمود راوی گوید آنگاه عرض
کردم که فدای تو شوم پس مراد کدام اسماعیل است فرمود اسماعیل
پسر حزقیل نبی است خدا تعالی او را بسوی قوم خویش مبعوث
نمود قوم او را تکذیب کردند و کشتند و پوست رویش را
کندند پس خداوند قهار بجهت او بر ایشان غضب

نمود و سطاطائیل را که ملک عذاب است نزد او فرستاد
سطاطائیل با او گفت یا اسماعیل من سطاطائیل ملک
عذابم جناب رب العزة مرا نزد تو فرستاده برای اینکه بقوم تو با
انواع عذاب اگر بخواهی عذاب کنم گفت یا سطاطائیل مرا باین
احتیاج نیست آنگاه خدای تعالی باو وحی فرستاد که یا اسمعیل
حاجت چیست اسمعیل عرض کرد پروردگارا تو از خلایق عهد و
پیمان گرفتی که ترا پروردگار و محمد ص را پیغمبر و اوصیاء او را ولی و
پیشوا دانند و بمخلوقات خود خبر دادی چیزی را که بعد از وفاتش بر سر حسین
بن علی علیهما السلام خواهند آورد و تو بحسین بن علی علیهما السلام
وعده فرموده که او را بدنیا برگردانی برای اینکه حجة خود انتقام
بستاند از آنانکه این کار را در حق او کردند پس پروردگارا حاجت من
از تو این است که مرا بدنیا برگردانی تا اینکه انتقام بکشم از آنانکه این
کار را در حق من کردند چنانچه امام حسین را بدنیا خواهی برگردانی
پس خدای تعالی مسئلت او را قبول فرموده این را درباره او وعده
پس او در روز رجعت با امام حسین ع بدنیا خواهد برگشت
آیه هفتاد و پنجم قوله تعالی فی سوره هود در آیه ۹۶ بقیة

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ
مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ ترجمه
یعنی هر آینه فرستادیم موسی را با آیات خودمان اینکه
بیرون آورد قوم خود را از تاریکیها بسوی نور و بیاد ایشان
بیاورد روزهای خدا را علی بن ابراهیم در تفسیر خود گفته که
ایام خدا سه تا است روز قائم ع و روز مرگ و روز قیامت)
آیه هفتاد و ششم قوله تعالی فی سوره الرحمن در آیه
۶۴ مُدْهَامَّتَانِ یعنی دو باغ سبز یونس بن ظبیان از
ابی عبدالله ع روایت کرده که آن حضرت فرمود که ما بین
مکه و مدینه در وقت ظهور بوستانها بهم میرسد
آیه هفتاد و هفتم قوله تعالی فی سوره الصف
در آیه ۸ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ
اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ یعنی اراده
میکنند که خاموش نمایند نور خدا را با دهنهای
خودشان و حال آنکه خدا تمام کننده است نور خود را
صاحب تفسیر صافی میفرماید که خدا بقائم ع اتمام نور

خواهد بود و او را بوجه مذاهب ادیان غالب میکند
در آنوقت غیر از خدا بکسی عبادت نمی شود آیهٔ
هفتاد و هشتم قوله تعالی فی سورة الجن در آیهٔ
۲۴ حتی اذا راوا ما یوعدون فسیعلمون من اضعف
ناصرا واقل عددا یعنی تا زمانیکه می بینند آنچه را که
وعده داده شده اند پس خواهند دانست که کدام یکی
ضعیف ترند از حیث یاور و کمتر است از جهت شماره در
تفسیر صافی مقصود از این قائم و امیر المؤمنین علیهما السلام
نصا حضرت قائم ع است حاصل معنی وقتیکه در زمان رجعت
امیر المؤمنین را دیدند آنگاه میدانند که یاران کدام یکی کمتر
وضعیف تر است آیهٔ هفتاد و نهم قوله تعالی
فی سورة المؤمنون در آیهٔ ۷۷ حتی اذا فتحنا علیهم بابا ذا
عذاب شدید اذا هم فیه مبلسون یعنی تا در وقتیکه کشادیم
بروی ایشان در عذابرا که سخت است در آن زمان ناگهان
و مایوس اند حضرت باقر ع فرمود که آن در عذاب از
علی بن ابیطالب است در وقتی که در وقت رجعت

آیهٔ هشتادم قوله تعالی فی سورة الحجر در آیهٔ ۲

بدنیا رجوع میکند جابر میگوید که باقر ع بعد از آن
فرمود که امیر المؤمنین ع در خصوص قول خدا تعالی
ربما یود الذین کفروا لو کانوا مسلمین یعنی بسا دوست
دوست میدارند آنانکه کافر شده بودند کاش مسلمان
میشدند فرمود که مراد از آنها این است که من و شیعهٔ
من و عثمان بن عفان و شیعهٔ او در روز رجعت خروج
می کنیم و ما بنی امیه را بقتل میرسانیم در آن وقت آنانکه
کافر بودند دوست میدارند کاشکی ما مسلمان بودیم آیهٔ
هشتاد و یکم قوله تعالی فی سورة النساء در آیهٔ ۱۳۰
وان یتفرقا یغن الله کلا من سعته وکان الله واسعا
حلیما یعنی اگر از یکدیگر جدا بشوند غنی مینماید خدا تعالی
هر دو را از وسعت خود و هست خداوند وسعت دهنده و حلیم
تاویل شده بزمان رجعت امام ع در ذیل حدیث فرمایند تاویل این
آیه در آن روز ظاهر خواهد شد که علم بدیگران موضع انداخته
میشود پس بطرزی عالم میشوند که بعلم برادران خود محتاج نمی شوند
و زمین برای قائم ع خزینهای خود بیرون میاورد و قائم ع

بخلایق میفرماید که بجو ربد کوارا باد بوشماد عوض عمر یکی کر
در زمان کذشته برشما کذشت پس مسلمانان در آن روز
از جهة دین اهل صواب اند نه اهل خطا برای ایشان در سخن
کفتن اذن داده میشود پس تأویل این آیه وجعلو ربك الخ
چنانچه ذکر شد در آن روز ظاهر میشود آیه هشتاد
و دوم قوله تعالی فی سورة الاسراء در آیه ۷ ان
احسنتم احسنتم لانفسکم وان اساتم فلها فاذا جاء
وعد الآخرة لیسوا وجوهکم ولیدخلوا المسجد کما
دخلوه اول مرة ولیتبروا ما علوا تتبیرا یعنی هر کاه خوبی
بکنید خوبی کرده اید بنفسهای خودتان و هرکاه بدی بنمائید
پس بر خودتان نموده اید پس زمانیکه آمد وعده آخرت برای
اینکه سیاه کنند رویهای شما را و باید داخل بشوند بمسجد چنانچه
داخل شده بودند در اول مرتبه و باید هلاک کنند بقدر
آنچه بلندی کرده غلبه نموده اند علی بن ابراهیم در تفسیر خود
کفته که مراد از وعده آخرت قیام قائم ع است آیه
هشتاد و سیم قوله تعالی فی سورة الاسراء یعنی بنی
اسرائیل در آیه ۵ فاذا جاء وعد اولیهما بعثنا

علیکم

علیکم عبادا لنا اولی باس شدید فجاسوا خلال
الدیار وکان وعدا مفعولا یعنی پس زمانیکه
وعده اولی اینها آمد برمیانگیزانیم بر شما بندگان خود را
که صاحبان جنگ و غضب شدید اند پس جستجو میکنند میان
شهرها را و هست وعده که بظهور خواهد پیوست در
خبر است که ایشان میان شهرها را میکردند و جستجو و تفحص می
نمایند از حضرت صادق ع مرویست یعنی چون وعده خون
خواهی امام حسین میرسد وکان وعدا مفعولا یعنی خروج
قائم ع وعده ایست که بظهور خواهد پیوست آیه
هشتاد و چهارم قوله تعالی فی سورة المدثر در آیه
۲ قم فانذر یعنی یا محمد برخیز پس بترسان در حدیث وارد شده که
مراد از این قیام حضرت است در زمان رجعت برای خبر دادن خلق
را میترساند آیه هشتاد و پنجم قوله تعالی
فی سورة الدخان در آیه ۱۰ یوم تأتی السماء بدخان مبین یعنی
روزیکه میشود که آسمان آشکار دودی میاورد در تفسیر وارد شده
اند که مضمون این آیه در زمان رجعت تحقق خواهد یافت

چون خلایق از قبرها بیرون میایند ظلمت ایشانرا فرامی
گیرد در آن حال گویند آیهٔ هشتاد و ششم
هذا عذاب الیم ربنا اکشف عنا العذاب انا مؤمنون
یعنی این عذاب دردناک است خدایا بکشا از ما عذابرا
بدرستی که ما ایمان آورندگانیم آیهٔ هشتاد و
هفتم قوله تعالی فی سورة هود در آیه ۱۰ الا یوم یاتیهم لیس
مصروفا عنهم وحاق بهم ما کانوا به یستهزؤن
یعنی هر آینه میاید بایشان روزیکه عذاب از ایشان بر نخواهد گشت
و عذاب بر ایشان در عوض استهزاء و سخریه خواهد رسید بیان
مراد از آن روز قیام قائم ع است که بان استهزاء میکردند و انکار
در وجود بودن روز قیامت هیچ فرقه از مسلمین بلکه اغلب فرق
خارج از اسلام انکار ندارند تا بآن بخندند و استهزاء نمایند
آیهٔ هشتاد و هشتم قوله تعالی فی سورة الاسراء
عسی ربکم ان یرحمکم و ان عدتم عدنا و جعلنا جهنم
للکافرین حصیرا در آیه ۸ یعنی امید هست اینکه
رحم کند پروردگار شما و هرگاه برگردید ما هم برگردیم

تفسیر است اگر شما با خروج سفیانی برگردید ما هم با قائم
آل محمد بر میگردیم آیهٔ هشتاد و نهم قوله تعالی
فی سورة العنکبوت در آیه ۱۰ و لئن جاء نصر من ربک
لیقولن انا کنا معکم اولیس الله باعلم بما فی صدور
العالمین یعنی هر آینه هرگاه بیاید یاری و نصرت از پروردگار
تو هر آینه ایشان میگویند که ما با شما بودیم آیا خدا عالمتر بآنچه
در سینهای اهل عالم است صاحب تفسیر گفته که مراد
از نصر قائم ع است آیهٔ نودم قوله تعالی
فی سورة الشوری در آیه ۴۱ و لمن انتصر بعد ظلمه
فاولئک ما علیهم من سبیل حاصل معنی آنکسیکه
یاری کرده میشود بعد از مظلوم شدن پس بر او تقصیری نیست
صاحب تفسیر گفته که ابی جعفر ع فرمود که کسانیکه یاری کرده
میشوند قائم ع و اصحاب او میباشند پس بر ایشان راه تسلط نیست
قائم ع در زمانیکه قیام کرد بر بنی امیه غالب شود آیهٔ نود
و یکم قوله تعالی فی سورة الصف اعنی صف در آیه ۱۳ نصر
من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین یعنی یاری از خدا

و فتح نزدیک است و مژده بده مؤمنین را در تفسیر فتح
را بقائم ع تأویل کرده است آیه نود و
دوم قوله تع وَاللَّیْلِ اِذَا یَغْشٰی وَالنَّهَارِ اِذَا
تَجَلّٰی یعنی قسم بشب در زمانیکه تاریک میشود و سوگند بروز
زمانیکه روشن میشود حماد بن عثمان از محمد بن مسلم روایة
کرده است و گفته که از ابی جعفر ع پرسیدم از قول خدای
تعالی وَاللَّیْلِ اِذَا یَغْشٰی آنحضرت فرمود که مراد امیر المؤمنین
است که در دولت باطله ظلمت ظلم و ستم با و احاطه نمود
و نور او را خاموش کرد و مأمور گردید که صبر نماید گفتم
وَالنَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰی فرمود یعنی نهار عبارت از قائم ع است در زمانی
که قیام کرد بر دولت باطله غالب میشود آیه نود و
سیم قوله تعالی فی سورة الغاشیة هَلْ اَتٰیکَ حَدِیْثُ
الْغَاشِیَةِ یعنی آیا آمده است بتو حکایت غاشیه در حدیث
آمده محمد بن سلیمان روایت کرده از پدرش و گفته که
از ابی عبد الله ع گفتم هل اتیک الخ فرمود مراد قائم است
ظالمان را با شمشیر احاطه میکند آیه نود

و

و چهارم قوله تعالی فی سورة الغاشیة
وُجُوْهٌ یَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ راوی مزبور گوید که گفتم
وجوه الخ آنحضرت ع فرمود رویهائی که بقائم علیه
السلام خضوع و خشوع می کنند و طاقت ابا و امتناع
ندارند گفتم عَامِلَةٌ فرمود عمل بغیر ما انزل الله می
کنند گفتم معنی نَاصِبَةٌ چیست فرمود که بخلافت
منصوب نشدند اشخاصی که لایق نبودند آیه
نود و پنجم قوله تع فی السورة المزبورة تَصْلٰی نَارًا
حَامِیَةً راوی مذکور میگوید گفتم تصلی نارًا حامیة
چیست فرمود مقصود از نار در دنیا آتش حرب قائم ع
است و در آخرت آتش جهنم است آیه نود
و ششم قوله تعالی فی سورة التکویر فَلَا اُقْسِمُ بِا
لْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْکُنَّسِ حاصل معنی نزدیک باین پس
سوگند بستاره هائیکه پنهان و مستور میشوند مثل مستور شدن
آهوها در بیشه که سیر کننده هستند و مستور میشوند و
آنها پنج ستاره اند که در روزها پنهان و در شبها نمایانند

از ابیجعفر ع از تاویل ایه پرسیدند فرموده که آن امامی
است که در زمان خود در سال دویست و شصت غایب
شود و بعد از آن ظاهر میگردد مانند شهاب و تاریکی
اگر او را درک کردی شاد خواهی شد یا اینکه چشمت روشن
میشد **آیهٔ نود و هفتم** قوله تعالی فی سورة
الملك در ایه آخر سوره اِنْ اَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ
بِمَاءٍ مَعِينٍ یعنی هرگاه بگردد آب شما بزمین فرو رود پس
کیست که بیاورد بشما آب صاف و خالص و از علی بن حمزه از ابی
بصیر و از ابیجعفر ع روایت کرده که این ایه در شأن قائم
نازل شده هرگاه امام شما غایب باشد و نمیدانید که در کجا است
پس کی میاورد بشما آن امامی را که خبر آسمان و زمین را بشما
خبر بدهد بخدا سوگند یاد میکنم هر اینه هنوز تاویل این ایه
متحقق نشده و بزودی بتحقیق میرساند **آیهٔ نود و
هشتم** قوله تعالی فی سورة آل عمران در ایه ۱۴۰ وَتِلْكَ
الْاَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللّٰهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا
وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ یعنی این ایام گردش میدهیم

آنها را در میان مردم و باید بدانند خداوند شناختی را که
ایمان آورده اند بگیرد از شما شاهدها از آن امام از حضرت
ابی عبدالله ع روایت کرده که آنحضرت فرمود که از وقت
خلقت آدم تا این زمان دولت برای خداوند و برای
ابلیس بوده پس کو دولت در این زمانها و نیست صاحب دولت
خدا مگر برای قائم ع یعنی برای ائمه اطهار ع سلطنت نرسیده
است که آن سلطنت برای خدا است پس برای قائم ع خواهد شد
آیهٔ نود و نهم قوله تعالی فی سورة الحدید در ایه
۱۷ اِعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ يُحْيِي الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ
بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ یعنی بدانید که خداوند
تعالی زنده میکند زمین را بعد از مردنش بتحقیق بیان
کردیم برای شما آیات را شاید شما تعقل نمایید از ابن عباس روایت
کرده یعنی خدا زمین را بعد از مردنش از ظلم پادشاهان ملکها
زنده میگرداند **آیهٔ صدم** قوله تعالی فی سورة المائده
در ایه ۳ اَلْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ
وَاخْشَوْنِ اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ اِلَى اٰخِرِ الْاٰيَةِ یعنی امروز مأیوس

دولت

شد نماند آنانکه کافر شدند از دین شما پس از انها نترسید
و بترسید از من حضرت فرمود در روایت که قائم ع قیام می کند
بنی امیه مأیوس میشوند پس ایشانند کافران که از آل
محمد ع مأیوس خواهند شد آیه صد و یکم قوله تعالی
فی سورة التوبة در آیه ۳ وَاَذانٌ مِنَ اللهِ وَرَسُولِهِ
اِلَی النّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْاَکْبَرِ یعنی اعلان اجازه است
از خدا و رسول او در روز حج اکبر معصوم فرمود مقصود
خروج قائم ع و دعوت و دست مردم را بسوی خود
آیه صد و دوم قوله تعالی فی سورة فصلت
در آیه ۴۵ وَلَقَدْ آتَیْنا مُوسَی الْکِتابَ فَاخْتُلِفَ فِیهِ
یعنی هر اینه دادیم بموسی کتاب را پس اختلاف کرده شد در آن
امام ع فرمود که بنی اسرائیل اختلاف کردند در خصوص کتاب
موسی چنانکه این امت در کتابیکه در نزد قائم ع است اختلاف کنند
حتی آن کتاب را جمع کثیر انکار میکنند و قائم ع گردن ایشان را
میزند آیه صد و سیم قوله تعالی فی سورة الاسرای
در آیه ۸۱ وَقُلْ جاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْباطِلُ اِنَّ الْباطِلَ

کان

کانَ زَهُوقاً یعنی بگو حق آمد و باطل رفت
امام ع فرمود زمانیکه قائم ع قیام میکند دولت باطل
میرود آیه صد و چهارم قوله تعالی
فی سورة لقمان در آیه ۲۰ اَلَمْ تَرَوْا اَنَّ اللهَ سَخَّرَ لَکُمْ ما
فِی السَّمٰواتِ وَما فِی الْاَرْضِ وَاَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ
ظاهِرَةً وَباطِنَةً یعنی آیا نمی بینید اینکه مسخر کرد
برای شما خدا آنچه در آسمانها و زمین است و کامل
نموده بر شما نعمتهای ظاهری و باطنی خود را در روایت
آمده که امام ع فرمود نعمت ظاهره امام ظاهر و نعمت باطنه
امام غایب است که از نظر مردم غایب گردد و ظاهر میشود برای او
خزائن زمین هر چیز که دور باشد باو نزدیک می گردد
آیه صد و پنجم قوله تعالی فی سورة ص در
آیه آخرش وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِینٍ یعنی هر آینه
میدانید خبر او را بعد از وقتی امام ع فرمود که در
وقت خروج قائم ع خواهند دانست آیه
صد و ششم قوله تعالی فی سورة

مریم در آیه ۷۵ حتی اذا رأوا ما یوعدون اما
العذاب واما الساعة فسیعلمون من هو شر
مکانا واضعف جندا یعنی تا زمانیکه ببینند آنچه
را که وعده داده میشوند یا عذاب یا الساعت پس می
دانند که کیست بدتر از جهة مقام و کمتر از جهة لشکر ابی بصیر
از ابی عبدالله ع روایت کرده که آنحضرت فرمود که وقتیکه دیدند
خروج قائم ع را پس در آن روز میدانند آن چیزی را که بدست
قائم ع از خدا باشیان میرسد و می دانند که کیست بدتر در نزد قائم
علیه السلام بدتر از جهة مقام و کمتر از جهة لشکر آیه

فصل هفتم قوله تعالی فی سورة الشوری در آیه

۲۰ من کان یرید حرث الآخرة نزد له فی حرثه ومن
کان یرید حرث الدنیا نؤته منها وما له فی
الآخرة من نصیب یعنی هر کس که باشد اراده کند
زراعت آخرت را زیاد میکنیم زراعت ورا و هر کس که
باشد اراده کند زراعت دنیا را یعنی همتش دنیا
باشد میدهیم باو از آن دنیا و نیست در آخرت نصیبی

در تفسیر صافی اما العذاب [illegible] وان للذین ظلموا عذابا دون ذلک ولکن اکثرهم لا یعلمون [illegible]

در روایت است که امام ع فرمود که حرث آخرت
امیر المؤمنین و سایر ائمه علیهم السلام است و گفت
معنی نزد له فی حرثه چه می باشد فرمود که نصیب او
در دولت ائمه ع زیاد میشود و فرمود کسیکه نصیب دنیا
را بخواهد در دولت حق از قائم ع او را نصیبی نمی باشد

تمام شد آیات داله بر ظهور و رجعت بتوفیق
و عنایة حضرت احدیت عز اسمه و توجه حضرات
ائمه علیهم صلوات الله و سلامه شروع میشود
بتحریر روایات مشتمله بر ظهور و خروج حضرت
بقیة الله الاعظم ارواح العالمین فداه و عجل الله فرجه
و رجعت ائمه اطهار و رسول مختار صلوات الله
علیهم و محبت داران بدنیا و امتداد سلطنت ایشان
تا انقراض دهر و زمان اللهم ارزقنا فیهم لائمتنا

اولا تبرکا و تیمنا از روی توسل و استمداد از حجة الله الاعظم
عجل الله فرجه ابتدا میشود بذکر یک فقره توقیع رفیع از ناحیه مقدسه

از خود امام زمان ع شرف صدور یافته در غیبت طوسی
ره و احتجاج طبرسی ره مسطور است که حمیری در خصوص
چیزی بخدمت حجة ابن الحسن ع از جانب مردی که بحق معتقد
بود و متعه را حلال میدانست و برجعت قائل بود نوشت
بسم الله الرحمن الرحیم اشهد انک حجة الله انتم الاول و الآخر
و ان رجعتکم حق لا شک فیها یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم
تکن امنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا **سؤال**
شخصی بحق قائل است و متعه را حلال میداند و برجعت معتقد
است لیکن زنی دارد موافق طبع با عرش مطیع این جهة باو
عهد و پیمان بسته که بر روی او زن نگیرد و زن بخیبه بر روی
او تزویج نکند و بوعده خود وفا نموده نوزده سال بر این عهد ایستاده
باشد و بسا میشود که از منزلش یکماه غایب میشود در آن مدت متعه نمی کند
و دلش هم این را نمی طلبد و چنان میداند که اطلاع ان مکره در نزد او
مانند برادر و پسر و غلام و وکیل و خدمت کارانش بر متعه کردن
او امریست که او را در نظر ایشان خوار و حقیر مینماید و چنین می
داند که ایستادنش در سر آن عهد و پیمان از راه میل و محبت

بزن خود و برای حفظ احترام او و احترام خود بر وی واجب
است نه اینکه متعه را حرام میداند بلکه بر ان معتقد
است آیا بر ترک متعه معصیت مترتب میشود یا نه **جواب**
یستحب له ان یطیع الله تعالی لیزول عنه الحلف
و لو مرة واحدة یعنی سنت است برای او اطاعت خدای
تعالی در خصوص متعه کردن هر چند یکبار نماید تا اینکه
زائل کرده از او حکم قسم خوردن بر ترک متعه یعنی باید اقلا
یکبار متعه نماید تا اینکه حکم قسم خوردن از او زایل گردد
و توقیعی که از ناحیه مقدسه بعنوان شیخ مفید ره صادر شده و
در کتب معتبره ضبط است همه اینها دلیل است بر اینکه آن
بزرگوار ع در حجاب غیبت متواری و زنده است **اما**
فقرات زیارات که از حضرات ائمه علیهم السلام وارد است
و در السنه علماء شیعه حجج اسلام و مجتهدین مذکور و جاری و در
مشاهد مشرفه و عتبات مقدسه استعمال شده و تا حالی از احدی
از اهل دیانت و اهل علم اعتراض و ایرادی در ورود آنها
از ائمه معصومین ع ظاهر نشده است و اکثر آنها دلالت

در افصاح
که سنی یا نه جواب
است لیزول
عنه الحلف
علی المعصیة

می کنند بظهور حضرت مهدی ع و رجعت سایر امامان ع
چند فقره از آنها در این وجیزه مجمله مزید بصیرت و
تحصیل کمال یقین درج میشود التماس دعا و طلب مغفرت
در حق این بنده کنه کار از قاطبه مؤمنین توقع میرود
فقره اول مروی است عبد الله نخعی از امام علی النقی
در زیارت جامعه روایت نموده زیارت را ذکر کرده تا اینکه گفته
وَجَعَلَنِی مِمَّنْ یَقْتَصُّ آثَارَکُمْ وَیَسْلُکُ سَبِیلَکُمْ و
یَهْتَدِی بِهُدَاکُمْ وَیُحْشَرُ فِی زُمْرَتِکُمْ وَیَکِرُّ فِی
رَجْعَتِکُمْ وَیُمَلَّکُ فِی دَوْلَتِکُمْ وَیُشَرَّفُ فِی عَافِیَتِکُمْ
وَیُمَکَّنُ فِی اَیَّامِکُمْ وَتَقَرُّ عَیْنُهُ غَداً بِرُؤْیَتِکُمْ یعنی خدای
تعالی بگرداند مرا از آنان نماید که پیرو شما میباشند و در راههای
میروند بهدایت شما راه می یابند در زمره شما محشور می شوند
در زمان رجعت شما رو میآورند و در ایام دولت شما تمکین و قدرت
می یابند چشمهایشان را با دیدن شما روشن می باشد **فقره**
دویم در زیارت وداع چنین وارد شده که
مَکَّنَنِی فِی دَوْلَتِکُمْ وَاَحْیَانِی فِی رَجْعَتِکُمْ یعنی مرا

در ایام دولت شما متمکن و صاحب قدرت نماید و مرا
در ایام رجعت شما زنده گرداند **فقره سیم**
صفوان بن مهران جمال از حضرت صادق ع در زیارت اربعین
روایت نموده وَاَشْهَدُ اَنِّی بِکُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِیَابِکُمْ مُوقِنٌ
بِشَرَایِعِ دِینِی وَخَوَاتِیمِ یعنی شهادت میدهم باینکه
من بشما ایمان آورده ام با شریعت دین خود و خاتمه
علم از جمله یقین کنندگانم برجعت شما **فقره**
چهارم صفوان روایت نموده و او گفته از حضرت
صادق ع در خصوص زیارت آقای ما حسین ع اذن
طلبیدم و از آن حضرت خواهش نمودم بمن بیاموزد
که زیارت آنحضرت را چگونه بعمل آورم و حدیث را
ذکر نموده تا اینجا که آنحضرت در زیارت فرمود و
اُشْهِدُ اللهَ وَمَلَائِکَتَهُ وَاَنْبِیَائَهُ وَرُسُلَهُ اَنِّی
بِکُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِیَابِکُمْ مُوقِنٌ بِشَرَایِعِ دِینِی وَخَوَاتِیمِ
عَمَلِی یعنی شاهد می گیرم خدا و ملائکه و پیغمبران
او را باینکه من بشما ایمان آورده باشریعت

هایے دینیم وخاتمه های علم برجعت یقین کننده ام
فقرۀ پنجم حسین بن عبدالله از حسین بن روح
نقل نموده و گفته که هر کدام را از مشاهد مشرفه که
بخواهی زیارت بکنی وقتی که داخل روضه بشوی بدین نهج
بگوئی زیارت را ذکر نموده تا آخر میگوید حتی العود الی
حضرتکم والفوز فی کرتکم یعنی تا وقتی که باستانه
شما برگردم و در زمان رجعت شما رستگار شوم
فقرۀ ششم ابی قسم بن علاء همدانی وکیل امام حسن
عسکری ع نوشته در آمد بدین مضمون ان مولانا الحسین
وُلِدَ یوم الخمیس لثلث خلون من شعبان فصمه و
ادع بهذا الدعاء دعا را ذکر نموده تا قول آنحضرت ع و
سید الاسرة الممدود بالنصرة یوم الکرة المعوض من
قتله ان الائمة من نسله والشفاء فی تربته والفوز
فی اوبته والاوصیاء من عترته بعد قائمهم وغیبته
حتی یدرکوا الاوتار ویثأروا الثار ویرضوا
الجبار ویکونوا خیر انصار یعنی آقای ایچنانی

کرد در

که در روز رجعت امداد کرده شده است و بکشته
شدنش عوض داده شده اینکه خداتعالی ائمه ع را از نسل
و ذریه او و شفا را در تربتش و رستگاری را با او در زمان
رجعتش و اوصیا را از عترتش بعد از غیبت قائم ایشان
تا اینکه از قاتلان آل محمد ص خون خواهی بکنند و خدا را
از خود راضی و خوشنود نمایند و از بهترین یاری کنندگان
باشند و آخر این دعا این است فنحن عائذون بقبره
نشهد تربته وننتظر اوبته آمین یا رب العالمین
یعنی ما بقبرش پناه برنده ایم و بر سر تربتش حاضر میشوم
و برجعتش منتظر میباشیم ای پروردگار این دعا را مستجاب
کن فقرۀ هفتم علی بن طاوس رحمه الله در مصباح الزائر
در زیارت قائم ع که در سرداب مبارک خوانده میشود بدین
نهج ذکر نموده و وفقنی یا رب للقیام بطاعته والمثوی
فی خدمته والمکث فی دولته واجتناب معصیته
فان توفیتنی اللهم قبل ذلک فاجعلنی یا رب
فیمن یکر فی رجعته ویملک فی دولته و

هایے دینم وخاتمه های عملم برجعت یقین کننده ام

فقرهٔ پنجم خیر بن عبد الله از حسین بن روح
نقل نموده او گفته که هر کدام را از مشاهد مشرفه که
بخواهی زیارت بکنی وقتی که داخل روضه بشوی بدین نهج
کوئی زیارت را ذکر نموده تا آخر میکوید حتی العود الی
حضرتکم والفوز فی کرتکم یعنی تا وقتی که باستانهٔ
شما بر کردم و در زمان رجعت شما رستکار شوم

فقرهٔ ششم ابی قسم بن علاء همدانی وکیل امام حسن
عسکری ع نوشته در آمد بمضمون ان مولانا الحسین
ولد یوم الخمیس لثلث خلون من شعبان فصمه و
ادع بهذا الدعاء دعا را ذکر نموده تا قول آنحضرت ع و
سید الاسرة الممدود بالنصرة یوم الکرة المعوض من
قتله ان الائمة من نسله والشفاء فی تربته والفوز
فی اوبته والاوصیاء من عترته بعد قائمهم وغیبته
حتی یدرکوا الاوتار ویثاروا الثار ویرضوا
الجبار ویکونوا خیر انصار یعنی آقای اینجانبی

کہ در

که در روز رجعت امداد کرده شده است و بکشته
شدنش عوض داده شده اینکه خدا تعالی ائمه ع را در نسل
و ذریه او و شفا را در تربتش و رستکاری را با او در زمان
رجعتش و اوصیا را از عترتش بعد از غیبت قائم ایشان
تا اینکه از قاتلان آل محمد خون خواهی بکنند و خدا را
از خود راضی و خوشنود نمایند از بهترین یاری کنندگان
باشند و آخر این دعا این است فنحن عائذون بقبره
نشهد تربته وننتظر اوبته آمین یا رب العالمین
یعنی ما بقبرش پناه برنده ایم و بر سر تربتش حاضر شوم
و برجعتش منتظر هستیم ای پروردگار این دعا را مستجاب
کن

فقرهٔ هفتم علی بن طاوس رح در مصباح الزائر
در زیارت قائم ع که در سرداب مبارک خوانده میشود بدین
نهج ذکر نموده ووفقنی یا رب للقیام بطاعته والثوی
فی خدمته والمکث فی دولته واجتناب معصیته
فان توفیتنی اللهم قبل ذلک فاجعلنی یا رب
فیمن یکر فی رجعته ویملک فی دولته و

یتمکن فی ایامه و یستظل تحت لوائه و یحشر
فی زمرته و تقر عینه برؤیته یعنی پروردگارا
بمن توفیق عطا نما تا اینکه با طاعت و خدمت آنحضرت قیام
و اقدام نمایم در ایام دولت و مکنت وی در زمان غیبت کنم و از مخالفت
وی بپرهیزم پس پروردگارا اگر مرا پیش از ظهور آنحضرت
بمیرانی پس ای پروردگار من بگردان مرا از آنان بکن که در
زمان رجعت زنده شده و مستولی و مقید و در ایام دولتش
بریاست و سلطنت میرسند و بعضی حسن و صباحت و مکنت
و دو ... میشوند و ... او محشور باشند و دیده
هایشان بدیدنش روشن و پرنور و دلهایشان مسرور
میباشد **فقرهٔ هشتم** علی بن طاوس در مصباح
الزائر از حضرت صادق ع روایت کرده که آنحضرت فرمود که هر
که بخواهد قبر مطهر جناب رسول خدا و ائمه را زیارت کند باید چنان
بگوید و زیارت را ذکر نمود تا اینکه فرمود انی من القائلین
بفضلکم مقر برجعتکم لا انکر لله قدرة و لا
ازعم الا ما شاء الله یعنی من از جمله اعتقاد

کنندگانم

کنندگانم بفضیلت شما و اقرار دارم باینکه شما بدنیا رجوع
خواهید کرد و قدرت خدا را انکار نمی کنم و گمان نمیکنم مگر
چیزی را که خدا خواسته باشد. **(فقرهٔ نهم)**
سعد بن مسلم قائد ابی بصیر روایت کرده او گفته که بعض
اصحاب ما از صادق ع در زیارت حضرت حسین ع تا قول
آنحضرت و نصرتی لکم معدة حتی یحکم الله و یبعثکم
فمعکم معکم لا مع عدوکم انی من المؤمنین برجعتکم لا
انکر لله قدرة و لا اکذب له مشیة و لا ازعم ان ما شاء
الله لا یکون یعنی یاری کردن خود را برای شما مهیا
نموده ام تا اینکه خدای تعالی حکم کند تا اینکه زنده گرداند
بنا بروایت دیگر حتی یحییکم الله و شما را مبعوث نماید
با دشمنان شما نیستم من از آنانم که برجعت شما اعتقاد
نموده اند قدرت خدا را در زنده گردانیدن شما انکار نمی
نمایم و مشیت او را تکذیب نمی کنم و گمان نمیکنم این را که هر
چیزی را که خدا بخواهد نشود بعد از آن حضرت صادق ع
در تتمهٔ زیارت فرموده اللهم صل علی امیر المؤمنین

عبدک

عَبدِكَ وَاَخي رَسُولِكَ تا اينكه فرموده اللّهُمَّ اَتِمَّ بِهِ
كَلِماتِكَ وَاَنْجِزْ بِهِ وَعْدَكَ وَاَهْلِكْ بِهِ عَدُوَّكَ وَاكْتُبْنا
في اَوْلِيائِهِ وَاَحِبّائِهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْنا شيعَةً وَاَنْصاراً وَ
اَعْواناً عَلى طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ وَما وَكَّلْتَ
بِهِ وَاسْتَخْلَفْتَهُ عَلَيْهِ يا رَبَّ الْعالَمينَ يعني پروردكارا
براى امير المؤمنين كه بندهٔ تو و برادر پيغمبر تواست صلوات
بفرست بعد ازان فرمود كه خدايا باقائم ع كلمات خودرا
تمام كن يعني تتمهٔ را تمام كردن زيراكه كلمات خدا عبارت
است از ائمه و وعدهٔ خودرا با ان حضرت بجا بياور ودو
دشمنانت را باوى هلاك كردان وما هارا در جريدهٔ
دوستانت بنويس پروردكارا ما را در خصوص برپا داشتن
طاعتت وطاعت پيغمبرت برپا داشته واو را در خصوص
انها خليفه كرده از جملهٔ يارى كننده كان كردان **فقرهٔ**
يازدهم در خبر ديكر از حضرت صادق ع روايت شده
كه انحضرت فرمود كه چون نزديك قبر حسين ع امدى بايد
بدين نهج كوئى ودر نزد قبر هر امام كفايت ميكند اينكه كوئى
وزيارت

وزيارت را ذكر نموده تا بقول خود اللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ
الْعَهْدِ مِنْ زِيارَةِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً
تَنْتَصِرُ بِهِ لِدينِكَ وَتَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ فَاِنَّكَ وَعَدْتَهُ
وَاَنْتَ الرَّبُّ الَّذي لا تُخْلِفُ الْميعادَ يعني پروردكارا
اين زيارت را اخر زيارت قبر پسر پيغمبرت مكردان واو
را در مقام ورتبهٔ پسنديده مبعوث نما كه براى دين
خود با او يارى كنى ودشمنان ترا باوى بقتل رسانى كه
اين را وعده كردهٔ تو ان پروردكارى كه وعدهٔ خودرا
خلاف نخواهى كرد **فقرهٔ دوازدهم** على بن
طاوس در كتاب الاقبال الاعمال ذكر كرده كه سنت است
خواندن اين دعا در روز دحو الارض كه بيست و پنجم ذيقعده
است دعا را ذكر نموده تا قول خود وَابْعَثْنا في كَرَّتِهِ حَتّى
نَكُونَ في زَمانِهِ مِنْ اَعْوانِهِ يعني خدايا ما را در وقت
رجعت ان حضرت مبعوث و زنده كردان تا انكه در زمان
او از جمله ياران او باشيم **وهكذا** در اكثر زيارات
منقوله از حضرات ائمه يك فقره دو فقره بر رجعت
حضرت

حضرات ائمه علیه السلام اشعار دلالت ولکن تبرکاً
باعدد مبارک باین دوازده حدیث کفایت شد.
تذکاراً بعرض میرساند که بسیاری از ادعیهٔ ماثوره
از حضرت ایشان نیز دلالت تصریح بر ظهور حضرت حجت
الله الاعظم و رجعت حضرت ائمه دارند خصوصاً ادعیهٔ
وارده در ماه مبارک رمضان الاستمداد و اخر دعای افتتاح که از
ناحیهٔ مقدسه برای استفاضهٔ شیعیان عنایت شده است اشکال
دولت حقه را و حالات آن را بیان مینماید بآنجا رجوع فرمایند
و تیمناً خاتمه قرار دادم باین وجیزه عهد نامه حضرت
حجة علیه السلام را که بر وقایع و حالات ظهور و ایام رجعت
اشتمال تمام دارد این است **عهد نامه** علی بن
طاوس در کتاب مصباح الزائر از جناب جعفر بن محمد الصادق
ع روایت نموده که آنحضرت فرمود هر که چهل صباح
باین عهدنامه بدرگاه الهی دعا نماید هر آینه خدا تعالی
او را در وقت ظهور از قبرش بیرون میاورد و در عوض
هر کلمه آن هزار حسنه باو عطا فرماید و هزار سیئه از

نامه عملش محو مینماید این است اللهم رب النور العظیم
والکرسی الرفیع ورب البحر المسجور ومنزل التوریة
والانجیل والزبور ورب الظل والحرور ومنزل
القرآن العظیم ورب الملائکة المقربین والانبیاء
والمرسلین اللهم انی اسئلک بوجهک الکریم
وبنور وجهک المبین وملکک القدیم یا حی یا
قیوم اسئلک باسمک الذی اشرقت به السموات
والارضون یا حی قبل کل حی لا اله الا انت
اللهم بلغ مولانا الامام الهادی المهدی
القائم بامرک صلوات الله علیه وعلی آبائه الطاهرین
عن المؤمنین والمؤمنات فی مشارق الارض و
مغاربها سهلها وجبلها وبرها وبحرها وعنی
وعن والدی من الصلوات زنة عرش الله و
مداد کلماته وما احصاه علمه واحاط به کتابه
اللهم انی اجدد له فی صبیحة یومی هذا وما عشت
من ایامی عهداً وعقداً وبیعة له فی عنقی لا احول

عنهما ولا ازول ابدا اللهم اجعلني من انصاره
واعوانه والذابين عنه والمسارعين اليه في
قضاء حوائجه والمحامين عنه والسابقين الى ارادته
والمستشهدين بين يديه اللهم ان حال بيني
وبينه الموت الذي جعلته على عبادك حتما مقضيا فاخرجني
من قبري مؤتزرا كفني شاهرا سيفي مجردا قناتي ملبيا
دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم ارني
الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل بصري
بنظرة مني اليه وعجل فرجه وسهل مخرجه و
اوسع منهجه واسلك بي محجته فانفذ امره و
اشدد ازره واعمر اللهم به بلادك فاحي به
عبادك فانك قلت وقولك حق ظهر الفساد في
البر والبحر بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم
لنا وليك وابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك
حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه ويحق الحق
ويحققه واجعله اللهم مفزعا لمظلوم عبادك

وناصرا لمن لا يجد له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل
من احكام كتابك ومشيدا لما ورد من اعلام دينك
وسنن نبيك صلى الله عليه وآله واجعله ممن
حصنته من باس المعتدين اللهم وسر نبيك محمدا
صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته
وارحم استكانتنا بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن
الامة بحضوره وعجل لنا ظهوره انهم يرونه بعيدا
ونريه قريبا العجل العجل يا مولاي يا صاحب
الزمان برحمتك يا ارحم الراحمين مضامین کلمات ابجد
ایا تچنان است که پروردگارا انچنانکه پروردگار نور عظیم
روشنی بزرگ و پروردگار کرسی بلند پروردگار دریای جوشان
وای نازل کننده توریة وانجیل و زبور و پروردگار سایه و تابش
آفتاب و ماه پروردگار بهشت و دوزخ وای نازل کننده قرآن عظیم و
پروردگار ملائکه مقربین و انبیا و مرسلین پروردگارا بدرستیکه
من سوال میکنم از تو بحرمت وجه کریم تو و بنور وجه نورانیت و بملک
قدیمت ای زنده وای پاینده سوال میکنم از تو بحرمت نامت آنچنان نامیکه

آسمانها و زمینها را بسبب آن نورانی و روشن نمودی ای زنده که
بیشتر است از همه زندگان معبودی بحق نیست مگر تو پروردگارا بمولای ما
که پیشوا و راه نما و راه نموده شده و قیام کننده است بامر تو صلوات خدا
بر او و بر پدران پاک او باد برسان از جانب همه مردان و زنان صاحب
ایمان که در شهرها مشرق و مغرب زمین و همواریها و کوهها و بیابان
و دریا و خشکیها از من و از پدر و مادرم از صلوات و تحیت بعدد
وزن عرش خدا و مداد کلمات او و هر قدر یکه علم خدا آنرا شمرده
و کتاب و بیان احاطه نموده پروردگارا بدرستی که من در صبح امروز
و سایر ایام عمرم برای آن حضرت تازه میکنم عهد و عقد و بیعتی را که برای
آنحضرت در گردن من است از آن هرگز بر نمی گردیم و زایل نمیشوم
پروردگارا مرا از جمله انصار و یاوران آنحضرت و دفع کنندگان شر
دشمنان از او و از جمله شتاب کنندگان بسوی او در خصوص قضای
حوائجش و از جمله حمایت کنندگان او و سبقت کنندگان بسوی اراده
و خواهش او و از جمله شهید شوندگان در پیش روی او بگردان
پروردگارا اگر حایل شود در میان من و ظهور او مرگی که آنرا بر
بندگان خود لازم کرده یعنی اگر قبل از ظهور آن مرگ مرا دریابد پس از

مرا

مرا زنده گردانیده از قبرم بیرون بیاورد در حالتی که کفن
خود را لحاف کرده خود را با آن پوشیده شمشیرم را از غلاف بدر
آورده و نیزه ام را برهنه کرده در میان شهرنشینان بدعوت
دعوت کننده لبیک اجابت میگویم پروردگارا آن طلعت
رشیده و نور پسندیده را بمن بنما و بدیده ام بنگاه کردن
بآنحضرت سرمه بکش و بفرج او شتاب کن و خروجش را
گردان و راه او را وسیع کن و مرا در راه او براه ببر و
حکمش را نافذ کن و کمرش را محکم گردان پروردگارا
بسبب او بلاد خود را معمور و بندگان خود را زنده گردان بدرستی
که تو فرمودی در حالتیکه فرموده تو حق است که بسبب
گناهان خلایق فساد در بیابان و دریا ظاهر و آشکارا
گردید پروردگارا پس ولی خود و پسر دختر پیغمبر خود
را که بنام پیغمبرت نامیده شده برای ما ظاهر گردان تا
اینکه بهیچ چیز از باطل دچار و گرفتار نشود مگر اینکه آنرا
پاره پاره گرداند و برهم زند و حق را ثابت و آشکار نماید
و پروردگارا او را برای ستمدیدگان بندگانت ملجا و پنا

گردان

کردان واو را یاری کننده کردان برای کسی که ان حضرت برا
او بغیر از تو یاری کننده نمی یابد و بکردان او را چنان کن که
معطل و ضایع شده ها احکام ترا تازه کرداند و بانها رواج
دهد و نشانهای دینت را و سنتهای پیغمبرت را محکم کرداند
واو را بکردان از کسانی بکن که ایشانرا از شدت جنگ ظالمان
محافظت کرده پروردکارا پیغمبر خود محمد صلی الله علیه واله
و تابعان او را که دعوتش را اجابت و قبول کرده اند بدیدن
انحضرت شاد کردان بخضوع و فروتنی و ذلت ما که بعد از
وفات پیغمبر ع بما رو داده رحم کن پروردکارا این غم را
ازین امت بحضور و ظهور انحضرت بردار و ظهورش را
باتعجیل برای ما میسر کردان بدرستی که مخالفان از او دور
میدانند ما ها از او نزدیک میدانیم ای مولای من ای صاحب الزمان
تعجیل کن ای ارحم الراحمین رحم کنندکان این مسئلت مرا بسبب رحمة
قبول کن **بعد از ان** با دست سه مرتبه بر ران
راست میزنی در هر مرتبه یکبار بکوئی العجل یا مولای
یا صاحب الزمان، صلوات الله وسلامه علیک وعلی

اباتك

اباتك الطاهرين ولعنة الله على اعدائكم ومعانديكم
وغاصبي حقوقكم ومنكري رجعتكم ومنافيكم من الان الى
يوم الدين الحمد لله اولا واخرا وظاهرا وباطنا

لمؤلفه

هذي الوجيزة ان كانت محقرة
این مختصر تالیف هرگاه باشد حقیر شمرده
عند الذين هم الحذاق في الكتب
میشود نزد کسانی که انها ماهر هستند در کتابها
قد صار تاليفها للعوام انهم
بتحقیق بوده است جمع اوری ان از برای عوام بدرستی که انها
خاضوا بمنعرج الاضلال في الكتب
فرو رفته اند در برکشتن کاه کمراه کردن در کتابها
ارجو بان كانت الايات هادية
امیدوارم باینکه این ایه ها راه نماینده باشند
للمهتدين بها محتاج ذو الارب
از برای هدایت یافتکان و بانها محتاج میشود صاحب حاجتها

ما

ما القصد فيها سوى ارشاد عاجزهم

نيست قصد در آنها سواى راه نمودن عاجز شان

عن رد شبهة زعم الملحد الكذب

از رد شبهه گمان بی دين دروغ گوی

قصيدة التوسل للوالد الحقير والناصح الفقير

يا قطب اقليم الوجود وزينة — للدين والشرع هادي الامم

يا غوث من يستغيث العون ملتجأ — ما من مغيث له يا كاشف الغمم

يا ماحي الكفر والفساد من السطح — يا علة الكون للانوار والظلم

يا شافي الصدر من غل ووسوسة — يا معدن الجود والافضال والكرم

انت الملاذ لنا في كل نائبة — ومفزع عند كل الكرب والالم

قد مسنا النصب والتحقير والوهن — من اهل زندقة يا مالك الذمم

اين المخلص من الاعدا يا سندا — للمؤمنين وركن البيت والحرم

عجل فداك ابي وامي سيدي — يا علة الفيض والامطار والديم

يا ولي الله يا ذا السيف في الحطب — يا صاحب الرمح والارقام والقلم

يا ليتني قبل موتي سيدي اركم — اذ انت تحكم صار السطح كالارم

يا من تخلفك للصلوة ببقعة — عيسى بن مريم روح الله في الحرم

جبريل قوله يبايع رغبة — من ذا يبيعه الاملاك يغتنم

يا من طلعته الغراء منتظر — الجن والانس يا ذا الحكم والعلم

يا محيي الارض بالديانة والسعد — يا رافع الظلم والبغيان والجرم

يا مالي الارض قسطا بعد ما ملئت — جورا وظلما فاحي الملك بالحكم

يا كاشف الناس والمناص لمن — يرجو النجاة بكم يا عالي الشيم

ذاب القلوب في ايام الله وانه — اثار وحي ودين الله مخترم

المال منتهب والعرض منتهك — والشان منخفض والناس مستوم

ابدت لنا ضغنا اقوام طاغية — بالرمز واللمز والاذلال والكلم

ضاقت على المؤمنين الارض يا سندا — ان الامانة والانصاف منصرم

يا صاحب الفرج البهي عجلن — يا نولن من كل فج صاف والابم

استغفر الله من طغيي ومن كلمي — كل الامور بحكم الله ينتظم

هذي المقالة من طفلي ومنقصتي — وقت الظهور بامر الله منجزم

الوالد العاصي لعفو ذنوبه — اهدا بمدحته في شيمة الخدم

كنحفة النمل شانا في حقارتها — يرجو الشفاعة يا كهفي ومعتصم

ادعيه رؤيت هلال

در وقت ديدن ماه نو خوبست اين دعا را بخواند يعني بعد

اكم

انکه نظر بقران مجید و اسماء مقدسه نماید این دعا را بخواند

اللهم ان الناس اذا نظروا الی الهلال نظر بعضهم
الی وجوه بعض و تبارک بعضهم ببعض و انی نظرت
الی کتابک و الی اسم نبیک و اسماء اولیائک علیهم
السلام فاعطنی کل الذی احب من الخیر و اصرف
عنی کل ما احب ان تصرفه من الشر و زدنی من
فضلک ما انت اهله برحمتک یا ارحم الراحمین

زیارت کند اسماء مقدسه را

اللّه محمّد علیّ فاطمة
الحسن و الحسین علیّ
محمّد جعفر موسی علیّ
محمّد علیّ الحسن المهدی
صلوات اللّه و سلامه علیهم اجمعین

مستحب است که در دیدن ماه نو این دعای ماثور
را بخوانند که امیر المؤمنین ع فرموده که وقتیکه ماه
نو را دیدید بگویید تا این دعا را بخوانند اللهم
انی اسئلک خیر هذا الشهر و فتحه و نوره
و نصره و برکته و طهوره و رزقه و اسئلک
خیر ما فیه و خیر ما بعده و اعوذ بک من شر
ما فیه و شر ما بعده اللهم ادخله علینا
بالامن و الایمان و السلامة و الاسلام و
التوفیق لما تحب و ترضی برحمتک یا
ارحم الراحمین

قد وقع الفراغ من تحریر
ها بید مؤلفها الحقیر
ناصح

فی شهر ذیقعدة من شهور سنه ۱۳۵۰ هجری نبوی

در
مطبعهٔ قومیهٔ
علمیه که در نهایت
درجه پسندیده و مطبوع
است بحلیهٔ طبع
رسید فی
۱۳۵۰
سنه
هجری



